

نجم‌زاده طالبوف تبریزی (احمد، مسالک‌المحسنین، مسائل‌الحیات) و همچنین سیاحتنامه ابراهیم بیک است که انتشار آن با دوران طغیان و نارضایی مردم مقارن بوده و مطالب و مندرجاتش موجبات تحریک حس نفرت و انزجار آنها را نسبت باصول حکومت وقت برمی‌انگیخته است، دیگر از کتابهای معروف در این زمینه کتاب حاجی بابا تألیف سرجان موریه منشی اول سفارت انگلیس در ایران معاصر فتحعلیشاه است که توسط شیخ احمد روحی کرمانی از انگلیسی بفارسی ترجمه شده است.

شبنامه‌ها نیز از جمله انتشاراتی است که در تهییج افکار مردم بی‌تأثیر نبوده، تاریخ انتشار شبنامه را باید در حدود سالهای ۲۰ - ۱۳۱۹ ه.ق دانست و اولین مرتبه در تبریز از طرف علی‌قلی‌خان صفراف مدیر روزنامه هفتگی احتیاج و پس از آن از طرف اعضاء انجمن مخفی شبنامه‌هایی ژلاتینی که مضمون اکثر آنها انتقاد از هیئت حاکمه وقت و مخالفت با اتابک اعظم «امین‌السلطان» بود منتشر شد. ادوارد برون از شبنامه‌ای بنام شاهسون که در اسلامبول انتشار یافته و مندرجات آن در ذم از روش دیرین و اصول اداره حکومت بوده است و همچنین از نشریات مخفی دیگری تحت عنوان لسان‌الغیب و غیرت و شبنامه ژلاتینی بنام نشریه حمام ذکر می‌آورد.

* * *

پس از جراید و مطبوعات باید در باره تأثیر انجمن‌ها و احزاب سیاسی سخن گفت، گرچه آغاز تشکیل گروه‌های متشکل ملی و سیاسی بصورت انجمن و حزب باید بعد از اعلام مشروطیت دانست ولی ناگفته نماند که قبل از فرمان مشروطیت با وجود فشار استبداد جمعی از آزاد مردان و روشنفکران بمنظور ترویج افکار نوین و فلسفه آزادیخواهی مجامعی سری و پنهانی بطور نامنظم تأسیس کردند اعضای انجمنهای مزبور در ضمن فعالیت‌های مختلف از جمله تهیه مقالات سودمند و درج آن در روزنامه‌های فارسی که در خارج از مملکت انتشار مییافت و همچنین پخش و توزیع شبنامه‌ها و بیانیه‌ها و رساله‌های مختلف در زمینه حکومت قانون و با توزیع روزنامه‌هایی که در خارج انتشار می‌یافت و حاوی مطالب مفید و متنوع تمدن و علم جدید و اصول حکومت‌های آزاد بود به بیداری افکار عامه کمک‌های شایان و ثمربخشی کردند.

نخستین مجمعی که تحت عنوان جمعیت سیاسی و گروه متشکل ملی که قبل از اعلام مشروطیت در ایران تشکیل یافت. جمعیت فراماسون بنام انجمن فراموشخانه بود

که بعدها بنام انجمن آدمیت معروف شد. انجمن مزبور بهمت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در حدود سال ۱۲۷۶ ه.ق در ایران تأسیس شد هدف اصلی ملکم‌خان در این انجمن آشنا ساختن ملت بنظام و تمدن جدید دول اروپایی و تبلیغ آزادی و حمایت از برقراری حکومت مشروطه و دفاع از حقوق فردی تغییر اساس رژیم حکومت وقت ایران بود. عده زیادی از اعیان و شاهزادگان و روحانیان و همچنین جوانان روشنفکر فارغ‌التحصیل دارالفنون ازین مجمع و افکار و مرام ملکم استقبال کردند و بدان پیوستند، تبلیغات اعضای آن ابتدا بطور محرمانه صورت می‌گرفت، انجمن مزبور نظر بمخالفت درباریان و بخصوص شخص ناصرالدین‌شاه بصورت ظاهر برجیده شد و از طرف شاه اعلامیه‌ای مبنی بر تعطیل انجمن مزبور در روزنامه دولتی منتشر شد و عده بسیاری از رجال و طرفداران این مرام تبعید شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند.

ناظم‌الاسلام کرمانی درباره مجمع فراموشخانه و تأثیر مرام آن در افکار مردم چنین یاد میکند: میرزا ملکم‌خان برای اتحاد کامل بین ارباب حل و عقد و از بین بردن نفاق ملت و دولت و دربار مجلسی در تهران تشکیل داد. ولی منافقین درباری و دشمنان ترقی ایران او را بدخواه دولت قلم دادند و موجبات تعطیل فراموشخانه را فراهم نمودند.^۲ ولی باید دانست که پس از بقتل رسیدن ناصرالدین‌شاه و آزادی نسبی که در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه برای فعالیت روشنفکران و اصلاح طلبان بوجود آمد، زمینه

۱- متن اعلامیه دولت که در تاریخ پنجشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ هجری قمری در روزنامه دولتی منتشر شده است «در اینروزها بعرض رسید که بعضی از اجامر و اوباش شهر گفتگو از وضع و ترتیب فراموشخانه‌های (یورپ) میکنند و بترتیب آن اظهار میل مینمایند. لهذا حکم صریح همایون شد که اگر بعد از این عبارت و لفظ فراموشخانه از دهن کسی بیرون آید، تا چه رسد بترتیب آن مورد کمال سیاست و عقوبت دولت خواهد شد البته این لفظ را ترک کرده و پیرامون این خرافات نروند که یقیناً مواخذه کلی خواهند دید»
اقتباس از کتاب فکر آزادی تألیف دکتر فریدون آدمیت و جزوه دوم رهبران مشروطه (تألیف ابراهیم صفائی)

۲- تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۱۸ - ناگفته نماند که دولت روسیه نیز با انتشار افکار فراماسونی در ایران موفق نبود و با تلقینات و تحریکات دائمی خود بناصرالدین‌شاه ذهن ویرا متوجه خطر مرام انجمن مزبور می‌کرد و بدین وسیله از انتشار افکار و فعالیت آشکار آنها جلوگیری می‌شد.

تشکیل مجامع و انجمنهای ملی که فعالیت پنهانی داشته‌اند و جلسات آنها بطور سری تشکیل می‌شده در تهران و در بعضی از شهرستانها از جمله کرمان و اصفهان و تبریز فراهم شد، از جمله روشنفکرانی که شیفته آزادی و از پیروان مکتب ملکم بودند و با تبعید وی بخارج از ایران، از فعالیت خود در راه نشر افکار نوین و دنبال کردن مرام او دست برنداشتند، اعضای انجمن، جامع آدمیت را برهبری میرزا عباسقلیخان آدمیت که از پرورش یافتگان مکتب ملکم و پیرو افکار وی بود، تأسیس کردند، انجمن مزبور مروج افکار آزادیخواهی و طرفدار آثار و عقاید ملکم‌خان بود که خود او در آن زمان در خارج از ایران بسر میبرد، و توان گفت انجمن مزبور شاید تنها گروه متشکل سیاسی بود که در مسیر انقلاب مشروطیت و تعطیل بعدی آن توسط محمدعلیشاه بر اساس نوین منظم حزبی فعالیتهای پنهانی داشته است^۱ قبل از آغاز انقلاب و جنبشهای عمومی و ملی ایران «۲۳-۱۳۲۴ ه.ق» جمعی از آزادمردان که در دوره استبداد ناصری نیز جلساتی با گروههای کوچک و پراکنده بدون فعالیت مداوم داشتند در تاریخ ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ ه.ق مجمعی عمومی بنام انجمن مخفی با عضویت قریب ۶۰ تن از سران آزادیخواهان در تهران تشکیل دادند، هدف اعضای انجمن برقراری آزادی و مخالفت با حکومت استبداد بود و قطعنامه‌ای تحت ۱۸ ماده تنظیم کردند، بموجب ماده نهم و دهم و یازدهم قطعنامه مزبور اعضای انجمن موظف بودند با وسایل مختلف در بیداری افکار و توسعه فرهنگ بکوشند و با تهیه مقالاتی در ذم حکومت استبداد و درج آن در جراید و همچنین با انتشار شبنامه‌هایی مردم را بحکومت قانون و آسایشی که از راه حکومت ملی حاصل میشود آشنا سازند، ناگفته نماند که در مورد تشکیل انجمنهای مخفی در تهران محمد ناظم‌الاسلام کرمانی مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان، نخستین مجمع عمومی آن را بتاريخ ۱۸ ذیحجه سال ۱۳۲۲ ه.ق یاد می‌کند و در ضمن توضیح می‌دهد که انجمن مزبور برهبری سید محمد طباطبائی و بنیانگذاری مؤلف تاریخ مذکور تشکیل یافته است.^۲

۱- اقتباس از کتاب فکر آزادی، صفحه ۲۰۶

۲- تاریخ بیداری ایرانیان، همچنین محمد صدراشمی در تاریخ جرائد و مجلات اشاره بانجمنی به نام آزادمردان مینماید که در آغاز انقلاب و قبل از اعلام مشروطیت یعنی در تاریخ ۲۱ ←

بطور کلی هدف اعضای انجمن مخفی بموجب ماده اول نظامنامه انجمن مخفی، بیداری ملت و آگاهی او بحقوق حقه خود و اجرای قانون اسلام و قوانین عرفی بوده است تا بتواند سلطنت را مشروط کند و حدود تکالیف وزراء و حکام را معین نماید، دیگر از خواسته‌های مجمع مخفی که در نظامنامه آنها مندرج بود، مسئله محدود ساختن قدرت و نفوذ اتباع خارجه در ایران باید ذکر شود.

انجمنهای مخفی چه در تهران و چه در شهرستانها از آن نظر که دولتهای وقت با آن مخالف بودند همانطور که اشاره شد بطور سری در منازل اعضای انجمن و یا در بعضی از مدارس از آنجمله «مدرسه ناصریه» تشکیل میشد، و نیز بموجب نظامنامه، پیروان مذاهب مختلف نیز در صورت ایرانی بودن حق عضویت انجمن را داشتند و از لحاظ مذهبی محدودیتی در پذیرفتن اعضا در این انجمن وجود نداشت. انجمن مخفی تهران ضمن توزیع شبنامه‌ها که مفاد آن انتقاد از مداخلات بیگانگان و شکایت از مسئله قرضه روس و مظالم عین‌الدوله بود نه فقط در میان توده مردم بلکه در دربار سلطنتی نیز به پیشرفت فکر آزادیخواهی کمک کردند.^۱

از شعبه‌های وابسته بمجمع عمومی مخفی، کمیته انقلاب است ملکزاده تشکیل آنرا قبل از مشروطیت و پس از آغاز تشکیل اولین مجمع عمومی مخفی مورخ ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ ه.ق یاد می‌کند، ولی محمدصدر هاشمی^۲ تاریخ تشکیل کمیته

→ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۱ هجری قمری و با عضویت چهل نفر از آزادیخواهان تشکیل شده است و در معرفی از اعضای انجمن مزبور که اکثریت آنها از صاحبان جرائد و مطبوعات بودند بذکر اسامی چند تن از آنها از جمله: ملک‌المتکلمین، سیدجمال‌الدین واعظ، حاج میرزایحیی دولت‌آبادی، میرزا سلیمان‌خان میکده، مجدالاسلام کرمانی، معین‌العلمای اصفهانی، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و محمدرضا مساوات میردازد. (تاریخ جراید و مجلات ایران جلد ۴ صفحه ۲۰۹)

احمد پژوه تاریخ تشکیل انجمن سری تهران را در اواخر سال ۱۳۲۲ هجری قمری و اوائل سال ۱۳۲۳ هجری قمری ذکر نموده و آنها را از علقات فراموشخانه میداند.

تاریخ انقلاب ایران صفحه ۱۱۱

۱- موقرالسلطنه که خود از درباریان آزادیخواه و از بانیان و همسلکان انجمن مخفی بود و کمکهای شایانی در ابتدا بمشروطه‌خواهان کرد مأمور توزیع شبنامه در دربار بود و فاش شدن این امر بچوب خوردن وی بدستور مظفردالدینشاه منجر گردید:

۲- تاریخ جرائد و مجلات ج چهارم صفحه ۲۱۰

مزبور را در تهران بعد از فوت مظفرالدین‌شاه و بتخت نشستن محمد علی‌شاه و مخالفت او با مشروطه‌خواهان ذکر میکنند. اعضاء کمیته مزبور ۹ تن و عبارت بودند از «ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین واعظ، میرزا جهانگیرخان، سید محمد رضا مساوات، ابراهیم حکیم‌الملک، سید حسن تقی‌زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی، و نیز سه نفر بنام میرزا محمد نجات، حسین آقا پرویز، میرزا محسن نجم آبادی رابط کمیته با خارج بودند، کمیته مزبور هر روز جلسات خود را تشکیل می‌داد ولی بعد از نیمه شب، و با رهبری و اداره کردن نهضت سهم موثر و شایان توجهی در انقلابات مشروطیت و اعاده آن داشته است.

دیگر از انجمنهایی که میتوان گفت در ابتدای تأسیس کمتر جنبه سیاسی داشته ولی فعالیت اعضای آن در جنبش ملی تا اندازه‌ای موثر بوده انجمن اخوت بوده است که ابتدا در سال ۱۳۱۷ ه.ق بوجود آمد و در دوره تاریک استبداد بصورت مجمعی از روشنفکران در تهران در آمد، مؤسس آن حاج میرزا حسن صفی‌علیشاه بوده است، وقتی عضویت انجمن مورد قبول ظهیرالدوله صفی‌علیشاه قرار گرفت نام آن بانجمن اخوت تبدیل شد و اعضای این انجمن برای مبارزه با خرافات و استبداد خدمات گرانمایی انجام دادند.

این مجامع و محافل که جنبه ملی و غیر رسمی داشتند پس از اعلام مشروطیت و طرح قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی که بموجب آن اجتماعات قانونی شد، فعالیت خود را بدو صورت و تحت عنوان انجمنهای رسمی و غیر رسمی بطور آشکار و علنی شروع کردند.

پس از اعلام مشروطه و بخصوص دوره اول مجلس «مشروطه اول» تعداد مجامع عمومی و انجمنها افزایش یافت و نظر بشرایط زمان عده‌ای از روشنفکران بر آن شدند که بمنظور مبارزه و مقاومت در برابر مخالفان رژیم مشروطه مراکز ثقلی که مرجع عموم باشد و موجبات حفظ اتحاد و اتفاق فکری مشروطه‌خواهان را فراهم سازد تأسیس کنند، از اینرو به تشکیل جمعیت‌های سیاسی و انجمنهایی که بر اساس اصول حزبی و تشکیلات منظم متکی بود مبادرت ورزیدند.

پاره‌ای از انجمنهای مزبور با حمایت و پشتیبانی از نمایندگان منتخب خود در تدوین نظامنامه انتخابات و قانون اساسی سهم و حصه بزرگی در استقرار مشروطیت

داشتند و پس از آن نیز در انقلابات ناشی از استبداد صغیر برای اعاده مشروطیت می‌کوشیدند. در شهرستانهایی که بسبب موقع جغرافیایی خود با مراکز سازمانهای انقلابی و تمدن جدید نزدیکتر بودند و افراد آنها افکار نوین و پیشرفته داشتند اینگونه انجمنها نضج بیشتر یافته و فعالیت‌های مثبتی داشته‌اند از جمله: در تبریز. انجمنی بنام مراکز غیبی با عضویت عده بشماری از طبقات مختلف، کسبه و پیشه‌وران برهبری عده‌ای از آزادیخواهان تشکیل گردید. کمیته مزبور از طریق سازمان هومت با فرقه سوسیال دموکرات قفقاز ارتباط داشت و براهنمایی و هدایت آنها بایجاد تشکیلات منظم حزبی گردید و پس از مدتی نیز بمنظور تجهیز قوای جنگی بتشکیل گارد محافظ ملی بنام فدائیان پرداخت:

این کمیته در ضمن دارای شعبه‌هایی بود که تحت ریاست عده‌ای از اشخاص مطلع و روشنفکر اداره میشد، مرکز فعالیت کمیته ابتدا محرمانه و سری بود و کلیه دستورات کمیته مرکزی بدون تخلف توسط فداییان که بعدها بنام مجاهدین معروف شدند اجرا میشد، سازمان مجاهدین تبریز و همچنین انقلابیون فرقه سوسیال دموکرات قفقاز نقش بزرگی در استقرار مشروطیت و دفاع تبریز و فتح تهران برعهده داشتند، کمیته انقلاب ولایت قفقاز از طریق فرستادن افراد و وسایل جنگی و همچنین از طریق تأسیس مؤسسات برای تهیه بمب و سازمانهایی جهت متشکل ساختن توده‌های عوام در تمام نقاط آذربایجان کمک شایانی بسوسیال دموکرات‌های تبریز کردند، این آزادی خواهان در جنگ با استبداد صغیر تعداد زیادی کشته دادند، بطور کلی باید تصدیق کرد که حزب سوسیالیست روسیه از بدو ظهور انقلاب مشروطیت ایران مشوق ایرانیان بوده و با کمک به نهضت و بیداری افکار ایرانیان مقیم قفقاز و تبریز سهم و حصه‌ای داشته است.

۱- مقارن اعتصابات و انقلابات مشروطیت در ایران، ایرانیان مقیم باکو، جمعیتی بنام «اجتماعیون عامیون» برهبری نریمان نریمانوف تشکیل دادند که مرانامه آنها از روی مرانامه «سوسیال دموکرات» روس نوشته شده بود، پس از اعلام مشروطیت و جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، چند تن از آزادیخواهان بنام تبریز چون علی مسیو، و حاجی علی دوافروش، حاج رسول صدقیانی، کمیته‌ای تشکیل دادند و مرانامه فرقه سوسیال دموکرات‌های قفقاز را ترجمه کردند و مواد اصول آن را اساس برنامه خود قرار دادند.

انجمنهای رسمی در تهران و سایر شهرستانها مقارن انقلاب و بخصوص هنگام مشروطه اول تشکیل یافت، انجمنهای مزبور ابتدا بدنال طرحی که در مجلس در مورد قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی در دست تهیه بود ولی هنوز صورت قانونی پیدا نکرده بود تأسیس شد و در اکثر شهرستانها انجمنهای مزبور که بنام انجمن ایالتی و ولایتی معروف بودند چون هنوز بموجب قانون حدود نظارت و مداخله آنها در امور مملکتی معین نشده بود در کارهای عمومی مداخلات فراوان و گاهی هم تندرویهایی در مقابل عمال حکومتی می کردند و طبقات مختلف اجتماع نیز بحمايت از اعضای انجمن بنا بر خصیصه روحی مخالفت با حکومت، دستوره‌های انجمن را اجرا مینمودند و هر روز با مجتمع شدن در محیط انجمنها بتقویت نمایندگان خود کمک بیشتر میکردند.

ادوارد برون انگلیسی از انجمنهایی که بعد از انقلاب مشروطیت تشکیل شد و جنبه انقلابی و سیاسی داشت چنین یاد میکند «اینها رلی در ایندوره تاریخی بعهدہ گرفتند خصوصاً در واقعه کودتا پشتیبانی توده را بعهدہ گرفتند، و دوباره پس از بمباران ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ که دیگر پای مجلس در میان نبود هم اینها بودند که مقاومت ملی را اداره کرده و تا سر حد امکان کوشیدند تا سرانجام به برانداختن محمد علیشاه موفق شدند. با کمک انجمنهای بیماندی در خارجه بویژه انجمن سعادت استانبول، انجمنهای مذکور تماس خود را با کشورهای بیگانه حفظ کردند و همه جا را از پیشرفت‌های خود آگاه ساختند و توانستند که اراجیف و بیموده‌گوییهای را که بتوسط منابع و اشخاص ذینفع ساخته و اشاعه میشد باطل و عاطل سازند».

ایوانف، از انجمنهایی یاد می کند که در آغاز مشروطیت بوجود آمد و هدف آنها نظارت بر صحت انتخابات مجلس شورای ملی بود و اولین انجمن ملی ایران را بنام انجمن ملی تبریز در سال ۱۹۰۵ میلادی میدانند که با پشتیبانی گروه‌های بزرگ مردم از طرف حکومت آذربایجان شناخته شد. این انجمن بی‌اندازه قدرت یافت و با کمک نمایندگان منتخب آذربایجان مجلس را برای اجرای مقاصد و نیات خود تحت فشار قرار داد، بدنال انجمن تبریز در سایر شهرستانهای ایران تعداد کثیری انجمنها و کلوبهای سیاسی و اتحادیه‌های صنفی و کشاورزی ایجاد گردید، در شهر تهران به تنهایی بیش از

۱۳۰ انجمن وجود داشت^۱ تقی‌زاده تعداد انجمنهای ملی را در شهر تهران بعد از انقلاب مشروطیت در حدود ۱۴۴ تخمین زده است.

بطور خلاصه انجمنها و گروههای متشکل که مقارن انقلاب و یا قبل و یا بعد از آن در ایران پیدا شدند. بطرق مختلف تأثیر عمیق در بیداری و هوشیاری توده خلق داشته‌اند و فعالیت و گاهی هم فداکاری بعضی از اعضای آنها بخصوص اعضای برخی از انجمنهایی که بعد از انقلاب نصیجی گرفت و یا تازه سازمان یافت، از قبیل انجمن ملی تبریز در استقرار حکومت مشروطه تأثیری نمایان داشته است.

ناگفته نگذاریم که مقارن اعلام مشروطیت و بخصوص در زمان استبداد صغیر، ایرانیان مقیم ممالک خارجی و مهاجران مشروطه‌خواه، بخصوص تجاری که در عثمانی و قفقاز و باکو بودند، هیجان وصف‌ناپذیری در برقراری حکومت مشروطه و آزادی ابراز کردند.

تجار روشنفکر و آزادیخواه ایرانی مقیم اسلامبول با وجود محدودیتی که در قلمرو حکومت استبداد عثمانی داشتند بتأسیس انجمن سعادت پرداختند (۱۳۲۶ ه.ق.) «اعضای این انجمن همراه با ایرانیان مقیم اسلامبول پس از اقداماتی که محمد علیمیرزا بمنظور از بین بردن مشروطیت کرد و انقلاباتی که در اکثر نواحی ایران بخصوص برای اعاده مشروطیت روی داد، با پیوستن نمایندگان مجلس و مهاجران آزادیخواه ایرانی بمملکت عثمانی، دامنه فعالیت سیاسی خود را وسیعتر کردند، اعضای انجمن مزبور در مواقع حساس بازادیخواهان هموطن خود چه در داخل ایران و چه در خارج خدمات شایان توجهی کردند و با وسائل مختلف از جمله تشکیل جلسات سخنرانی و انتشار روزنامه موجبات جلب عواطف دیگران را بنفع مشروطیت و مشروطه‌خواهان فراهم آوردند، و با انجمنها و کمیته‌هایی که در ایران و سایر ممالک وجود داشت و بخصوص حوزه علمی نجف نیز ارتباط برقرار کردند، و در اعاده مشروطیت سهم قابل توجهی بدست آوردند.

دیگر از انجمنهایی که در خارج از مملکت بوجود آمده بود، کمیته‌ای بوده است برهبری سید حسن تقی‌زاده و همکاری معاضدالسلطنه که در اکتبر ۱۹۰۸ در لندن

تشکیل یافت، و نیز انجمن بزرگی در پاریس بنام فرانکو پرسیان توسط ایرانیان مقیم آن شهر با ریاست افتخاری آقای دیولافوا M. Dieulafoy در ژوئیه ۱۹۰۸ تأسیس شد.^۱

کمیته آزادیخواهان لندن با همراه ساختن عده‌ای از نمایندگان آزادیخواه مجلس عوام انگلیس و همچنین عده‌ای از طرفداران آزادی ایران بفعالیات پرداخت و با انتشار مقالات و اعلامیه‌های متعددی بنفع مشروطیت ایران با استبداد حکومت در افتاد. در فرانسه نیز مهاجران مشروطه‌خواه که در حدود پنجاه تن بودند همراه با چند تن از شاهزادگان و اعیان که از مخالفان محمد علی‌شاه بشمار میرفتند بمبارزه با دستگاه استبداد ایران برخاستند و بدین ترتیب مقدمات قیام سردار اسعد بختیاری که در آلمان در پاریس می‌زیست و خود از رنجیدگان هیأت حاکمه ایران بود فراهم شد و در اثر تماس با مهاجران و آزادیخواهان ایرانی آماده مبارزه بر ضد دستگاه استبداد گردید. ارتباط انجمنهای ملی خارج از ایران با یکدیگر و تماسهای تلگرافی که بین آنها از طرفی، و حوزه علمی نجف از طرف دیگر وجود داشت نوعی اتحاد و اتفاق نظر بین آزادیخواهان ایرانی و مراکز ملی آنها بوجود آورد و این امر اثرات و نتایج مفیدی در برچیدن استبداد صغیر و اعاده مشروطیت ایران داشت.

دیگر از مراکزی که بنفع مشروطه‌خواهان در خارج از کشور بفعالیات پرداخت کمیته اختلاط در کشور عثمانی بود، کمیته مزبور پس از ظهور مشروطیت در آنکشور بمساعی عده‌ای از بازرگانان آزادیخواه ایرانی مقیم اسلامبول و مهاجران ایرانی با پیوستن سید محمد صادق طباطبائی بانان و عضویت عده‌ای از اعضای حزب اتحاد و ترقی که در آنموقع نفوذ فوق‌العاده‌ای در عثمانی داشت تأسیس شد، رهبران حزب اتحاد و ترقی کشور عثمانی در پیشرفت مشروطیت ایران همکاری مؤثر و نزدیکی با کمیته مختلط داشتند.

رهبری انجمنهای سیاسی را بیشتر طبقات روشنفکر بعهده داشتند ولی اعضاء از قشرها و طبقات مختلف بودند. مرامنامه آنها بر اصول آزادی و مساوات و مخالفت با حکومت استبداد و ستمگری خانهای فئودال و همچنین دشمنی با استعمار و تسلط بیگانگان پی‌ریزی شده بود.

ناگفته نماند که همزمان و همراه با تشکیل جمعیت‌های سیاسی بموافقت

۱- انقلاب ایران تألیف ادوارد برون، صفحه ۲۷۵.

مشروطیت، سازمانهای دیگری از طرف عناصر ارتجاعی نیز بر ضد مشروطیت و مشروطه‌خواهان بوجود آمد. از آنجمله است انجمن اسلامیه در تبریز که از طرف عده‌ای از روحانیان مرتجع و طرفداران محمد علی‌شاه اداره میشد و روزنامه‌ای تحت عنوان «ملا عمو» منتشر می‌کردند.

همچنین انجمن قاجاریه که از طرف شاهزادگان و عناصر ارتجاعی تحت عنوان «انجمن وداد و اتحاد قاجاریه» در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ه.ق در تهران تأسیس یافت و روزنامه‌ای بنام قاجاریه برای انتشار خواسته‌ها و افکار خود منتشر ساخت و بموجب نخستین مقاله طلیعه روزنامه قاجاریه، انجمن مذکور بمنظور حمایت از خواسته‌های محمد علی‌شاه در مقابل مجامع مشروطه‌خواهان بوده است «مقصود انجمن ترتیب و رعایت از اقوام ذوی‌الاحترام خودمان است و خدمت بوجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه اسلام که شرف قومیت ما مربوط بآن وجود مبارک است»^۱

و نیز انجمنی بنام انجمن آل محمد، از طرف روحانیان مخالف مشروطه و برهبری حاج شیخ فضل‌الله نوری تأسیس شد، همچنین برای خنثی کردن فعالیت‌های انجمن محلی آذربایجان در تهران، انجمنی از طرف آذربایجانیان مخالف مشروطه بنام انجمن فتوت تشکیل شد. این انجمن بظاهر از طرفداران حکومت مشروطه بود ولی در عمل بنفع حکومت وقت و برچیدن اساس مشروطیت فعالیت می‌کرد.

کلیه انجمنهای مزبور مخالفت خود را با سازمانهای مشروطه‌خواهان و طرفداران خود را از محمد علی‌شاه آشکارا اظهار می‌داشتند و صدمات بسیاری بمشروطه‌خواهان و انجمنهای ملی وارد آوردند.

در میان عوامل بیشمار بیداری افکار و جنبش ملی، عامل مهم و مؤثری که در هشیاری و تهییج افکار توده مؤثر بوده و در واقع جنبش ایران بر ضد استعمار خارجی و استبداد را باید تا حدودی معلول آن محسوب داشت، انتشار افکار و مرام جمعیت مذهبی خاصی را باید در نظر گرفت که تحت عنوان «نهضت اتحاد اسلامی» تشکیل شد، این نهضت توسط مبلغ بزرگ نظریه اتحاد ملل مسلمان جهان سید جمال‌الدین اسدآبادی در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه در ایران طرفدار پیدا کرد و هدف آن اتحاد و قیام کلیه مسلمانان جهان بر ضد استثمار دولتهای مسیحی و دفع صدماتی بوده که از ناحیه آن

۱- تاریخ جرائد و مجلات ایران، ج ۴، صفحه ۹۵.

دولت‌ها بر ممالک اسلامی وارد می‌آمده است.

سید جمال‌الدین از مردان بزرگ انقلابی مشرق زمین بشمار میرود که با تقویت فکر اتحاد اسلام در بیداری ملل مسلمان شرق «افغانستان، مصر، ترکیه، ایران» تأثیر قابل توجهی داشته است سید با انتشار روزنامه و مجله و تشکیل جلسات و حوزه‌های درسی بنشر افکار خود پرداخت. و از آنجا که مبارزات قلمی و زبانی وی همه جا بر ضد استبداد و مظالم و بیدادگری حکومتها و بخصوص استعمار و استثمار ممالک ضعیف از طرف کشورهای سرمایه‌دار بوده است فلسفه او طرفداران بیشماری پیدا کرد و در ایران بخصوص عده بسیاری از رجال و روحانیان به پیروان سید پیوستند.

تحریکات و تبلیغات سید جمال‌الدین در ایران، بر ضد شاه و صدراعظم وی در مجله ماهیانه «ضیاءالخاقین» آغاز شد که در لندن بزبان عربی و انگلیسی نوشته میشد و با همکاری میرزا ملکم‌خان انتشار می‌یافت.^۱ و پس از وی در استانبول نیز پیروانش با درج مقالات تند و انقلابی در روزنامه اختر افکار مردم ایران را بر ضد اقدامات هیأت حاکمه و مبارزه با آنها بر میانگیختند و آنها را بواژگون ساختن اساس رژیم استبداد تشجیع و تحریض می‌کردند.

در تأثیر و نفوذ رهبری فکری و حتی تحریکات سیاسی سید جمال‌الدین در پیدایش انقلاب ایران شبهه‌ای نیست، از جمله موفقیت علماء و روحانیان در مسئله تحریم دخانیات و قیامی که ملت بفتوای پیشوایان روحانی خود بر ضد اعطای امتیاز تنباکو بدولت خارجی و جلوگیری از مداخلات بیگانگان در ایران کرد، و همچنین نقشه بقتل رساندن ناصرالدین‌شاه بدست میرزا رضای کرمانی از فدائیان و پیروان نهضت را در سال ۱۳۱۳ ه.ق میتوان در نتیجه تبلیغات دائمی سید دانست مدارک و اسنادی چند در تأیید نظریه فوق در دست می‌باشد و ما در اینجا بنقل قسمتی از مفاد نامه سید که در موقع قیام مردم ایران علیه قرارداد انحصار توتون و تنباکو بعنوان حجه‌الاسلام میرزا محمد حسن

۱- سید جمال‌الدین عقاید انقلابی خود را براساس اتحاد جامعه اسلامی و بر ضد دولتهای استعمارگر و زبان حکومت استبداد در روزنامه سیاسی دیگری بنام عروه‌الوقفی بزبان عربی و فرانسه در پاریس منتشر می‌ساخت. در انتشار این روزنامه شیخ محمد عبده مفتی بزرگ مصر که از طرفداران مسلک اتحاد اسلامی و از هواخواهان سید بود همکاری نزدیک داشت:

شیرازی نوشته و بانتقاد از شاه وقت و اوضاع داخلی ایران و تشجیع پیشوای روحانی مذکور بمدخله در امور رهبری سیاسی جامعه ایران پرداخته است اشاره مینمائیم، متن نامه فوق بعربی بوده است و ما ترجمه نامه مزبور را از کتاب انقلاب ایران نقل می‌کنیم:

«حق سبحانه و تعالی بشما مقام ارجمندی کرامت فرموده که بزرگترین حجت بالغه خود را بظهور رساند...» و پس از ادای عباراتی در همین زمینه چنین ادامه می‌دهد: «مردم از کهنتر و مهتر ساکن و سیار، وضع و شریف خود را تسلیم بمقام عالی روحانی شما نموده و با تعظیم و تکریم در هر پیش‌آمدی چشم امید را بسوی شما داشته است و در هر بلیه‌ای انظارشان بطرف شما دوخته است... آنها خیال میکنند (و حقیقت هم همین امر است) که یک کلمه از شما آنها را متحد و یک برهان از طرف شما آنانرا مصمم تواند ساخت چه امر شما موثر است و کسی نمیتواند از آن تخلف نماید و اگر شما بخواهید میتوانید با یک کلمه از طرف خود پراکنندگان را بهم پیوسته و از آن ترسی که از دشمن خدا و خلق در دلها جای گرفته، بوسیله اتحاد مصون از کینه و عناد کفار گردیده، آن رنج و تنگدستی که آنانرا احاطه کرده از میان رفته، و از این شدت و دشواری که رفع آن بسی آسان است رها میگردند، بدینطریق میتوان از ایمان دفاع نمود و حدود و ثغور اسلامی را محروس و مصون داشت» و در جای دیگر از همین نامه پس از نکوهش از رفتار خصوصی شاه و امین‌السلطان بانتقاد از اقدامات آنها در اداره امور کشور و بخصوص مسئله مداخلات و نفوذ اجانب می‌پردازد و چنین متذکر میگردد: «لیکن از آنها گذشته قسمت اعظم سرزمین ایران را با استثمار از معادن طرق مربوطه، و راههای اتصالی با مرزهای کشور، بدشمنان دین فروخته است که مهمان خانه‌هایی در حدود کنار طرق مواصله در قلمرو سلطنت از طرف آنها ساخته شود. بالاتر از همه بانک است که اقتضا دارد مفهوم آنرا که چه عواقبی در بر دارد معروض داشت. یعنی زمام کامل امور اقتصادی دولت را دو دستی تقدیم دشمن اسلام کردن، مردم را بنده و زر خرید آن دشمن ساختن، تسلیم آنان با کلیه جنبه سیادت و اختیار حیاتشان بدست دشمن. از آن پس آن خاین نادان متوقع است مردم را با دلایل بیپه‌وده آرام نموده و وانمود کند که این قراردادهای موقتی و محدود است بدوره‌ایکه از یکصد سال تجاوز نخواهد کرد. خداوندا! چه دلیل سستی که حتی خائنین را از آن متعجب ساخته است!»

و در اینجا بيمورد نمیدانیم، اشاره‌ای نیز بمضمون یکی از شماره‌های مجله

ضیاء‌الخاقین (شماره دوم مجله که در اول مارس ۱۸۸۲ انتشار یافته) بشود. در انتقاد از تشکیل نیروی قزاق و سیاست ناصرالدین‌شاه در اداره حکومت چنین بیان مینماید: «چون این افسران ایرانی و مسلمانند، از احکام علما تخلف نورزیده و راضی به مبارزه و صدمه زدن بآنها نخواهند شد. بنابراین برای اجرای اراده حکومت باید آنها به افسران اروپائی تبدیل گردند. بان احمق خاین برای انجام منظور خود جهت فرماندهی گارد همایونی، و کنترل بریگاد قزاق فهرستی نشان داده‌اند.

اکنون این مشرک [کذا] و رأی زنان بیدینش برای روی کار آوردن افسران بیگانه جدیدت مینمایند شاه با فکر دیوانه‌وارش این نقشه را تصویب کرده و سرشار از خشنودی است. «بجان جهان آفرین سوگند، که دیوانگی و کفر با هم همعنان و حرص و حماقت در برانداختن دین و فنای آئین مقدس و تقدیم اسلام به بیگانگان (بدون دفاع یا مقاومتی) همداستان گشته» سید در آخرین مقاله مجله خود (مورخ فوریه سال ۱۸۹۲) بذکر پریشانی اوضاع داخلی ایران و مظالم و فشار هیأت حاکمه بر طبقات مختلف مردم چنین اشاره می‌کند «حکومت بر قانون مقدس مستولی، و آنرا نابود ساخته، و اتخاذ جنبه تمدن و تجدد را بیمورد میدانند. قوانین اسلامی را از استدلال به نفع عام خلع و بکلی آنها را انکار نموده است. فقط شکنجه و آزار سلطنت میکند. تنها حرص قیادت دارد. نیروی جور و غرور فرمانرواست. شمشیر، تازیانه و داغ و درفش حاکم است. او از خون ریزی شادان است. افتخار بهتک احترام، و غارت دارائی بیوه زنان و یتیمان میکند. امنیت از آن دیار رخت بر بسته، باشندگان آن کشور هیچگونه راهی را برای نجات جانانشان از زندان آن ستمگر نمی‌بینند مگر فرار. یک پنجم از ایرانیان بسرزمین ترکی یا روسیه فرار کرده‌اند، که میتوان آنانرا در کوچ و بازار سرگردان دید... حکمرانان بحکم جبران آنچه را ابتدا برسم رشوه بدربار سر کیسه شده - و آنچه تعهد پرداخت به مرکز (در دوره حکمرانی) خود نموده‌اند از هیچگونه اعمال پستی فروگذار نمیکنند...»

همچنانکه در گذشته اشاره کردیم اطلاع ایرانیان بر قیام‌های ملل اروپائی برای بدست آوردن حکومت ملی و حقوق ترضیع شده خود تأثیر مهم و اساسی در بیداری

افکار داشته است. در ایران علاوه بر عواملی که در فوق اشاره شد، نهضت اصلاح طلبانه جوانان ترک که به برقراری حکومت مشروطه در سال ۱۸۷۶ میلادی برهبری شناس افندی و ضیاء پاشا و کمال بک در کشور عثمانی منجر گردید در هوشیاری ملی و سیر تعقل اجتماعی ایران تأثیر داشته است.^۱

رژیم مشروطه و تدوین قانون اساسی و انقلاباتی که برای بدست آوردن آن در کشور عثمانی روی داد، در ایران بی‌تأثیر نیست و بخصوص برخی از جلوه‌های آن را در اصلاحاتی که از طرف وزرای چون میرزا حسینخان سپهسالار در مورد سازمانها و تشکیلات اجتماعی ایران صورت گرفت میتوان باز یافت.

از طرف دیگر ارتباط ایران با همسایه شمالی خود دولت روسیه تزاری از عوامل تکان دهنده و مؤثر برای سرایت افکار انقلابی بایران و تغییر حکومت استبداد بمشروطه بوده است، رفت و آمد نمایندگان گیمهای تجارتنی و سیاسی این دولت بایران و بطور متقابل سفرهای ایرانیان بروسیه و تأثیر انقلاب ضد تزاریسیم در افکار مهاجران ایرانی مقیم نواحی قفقاز بخصوص کارگران و روستائینی که برای جستجوی کار و یا بازرگانی که برای کسب و تجارت بصفحات قفقاز مهاجرت میکردند از جمله راههای مؤثری بود که ایرانیان را با دنیای تازه‌ای از تمدن جدید آشنا کرد و همراه آن افکار انقلابی بایران ارمغان آورده شد.

شکفت نیست اگر، شکست دولت روسیه تزاری را که در آن زمان از بزرگترین دولتهای نظامی اروپا بود، در جنگ با دولت ژاپون و از آن مهمتر انقلاب و جنبش ۱۹۰۵ میلادی ملت روسیه را یکی از عوامل تحریک و تسریع نهضت مشروطیت در ایران محسوب میداریم.

۱- مشروطیت عثمانی با شروع جنگ بین آندولت و دولت روسیه و برقراری حکومت استبداد بصورت شدید با شروع حکومت سلطان عبدالحمید در آن کشور تعطیل گردید ولی در ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی همزمان با تعطیل مشروطه اول در ایران (بتوپ بسته شدن مجلس اول بدست قزاقان روسی) بار دیگر حکومت مشروطه در آن کشور برقرار گردید.

فصل سوم

مختصر وقایع انقلاب مشروطیت

امروز امید همه‌زی مجلس شوری است
سر باید کاسوده نگه دارد تن را
ملك الشعراء بهار

نخستین قیامی که مقدمه انقلاب ایران گردید، در زمان سلطنت ناصرالدینشاه بود که بصورت مبارزه با امتیازات اقتصادی خارجی خودنمایی کرد. پیش از این در فصل اول این مجموعه سخن رفت که در سال ۱۳۰۸ ه.ق (مطابق با ۱۸۹۰ میلادی) ناصرالدینشاه چون احتیاج مبرمی بپول داشت، امتیاز انحصار دخانیات ایران را بیکی از اتباع دولت انگلیس واگذار کرد، بموجب این امتیازنامه تولید کنندگان ناگزیر بودند محصول خود را بقیمت غیر عادلانه نازلی بفروشند و منافع حاصل از تجارت توتون که در واقع نوعی تجارت داخلی محسوب میشد در انحصار کمپانی تالبوت در آمد. این امر نه تنها بستگی تام با منافع تجار داشت بلکه بصورت مسقیم در زندگی مردم موثر بود زیرا که در آن هنگام استعمال توتون و تنباکو جنبه تفننی خود را از دست داده و بر اثر رواج و شیوع این اعتیاد از ضروریات زندگی مردم شده بود. از سوی دیگر پس از تنظیم قرارداد و شروع کار کمپانی، چون عده بسیاری از اتباع انگلیس خواه زن و خواه مرد بعنوان کارکنان و مأموران کمپانی بایران آمده و در ضمن فعالیت اقتصادی به تبلیغ

مذهبی پرداخته بودند اقدامات کمپانی مزبور تأثیر نامطلوب در مردم گذاشت^۱ بنابراین کلیه طبقات که از این امتیاز ناراضی بودند آن را مقدمه استعمار اقتصادی و نفوذ در شئون میدانستند زمزمه مخالفت را در کلیه شهرستانها و تهران آغاز کردند، از آنجمله در شهر شیراز چون مأموران کمپانی مزبور در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ ه.ق بمنظور تهیه مقدمات و دایر کردن شعبه خود میخواستند وارد شهر شوند، کلیه کسبه و مردم شهر بتحریریک تجار عمده فروش تنباکو بازار را تعطیل کردند و برهبری یک تن از علما و وعاظ معروف (علی اکبر فال اسیزی شیرازی) در مسجد و کیل اجتماع کردند و بتظاهرات پرداختند، این شورش توسط مأموران دولتی بطور موقت آرام شد و با تبعید علی اکبر فال اسیری بعراق و متفرق ساختن مردم بکمک اسلحه موضوع چندی مسکوت ماند. در شهرستان تبریز با انتشار خبر مخالفت آیه‌الله میرزا محمد حسن شیرازی با انحصار دخانیات، کلیه طبقات شهر بخصوص کسبه تعطیل عمومی کردند، پس از بستن بازارها و مسلح شدن در حدود بیست هزار تن، آماده قیام شدند و توسط نمایندگان خود از ناصرالدینشاه تلگرافی تقاضا کردند که امتیازنامه لغو شود و با پافشاری تمام از دایر شدن کمپانی مزبور در آنجا جلوگیری کردند.

امتیاز تنباکو در شهر اصفهان با مخالفت حاج شیخ محمد تقی معروف باقا نجفی که نفوذ بی‌اندازه‌ای در میان مردم داشت روبرو شد بدستور وی مردم بمقاومت منفی پرداختند و در دیگر شهرستانها و تهران نیز برهبری و حمایت دو تن از بزرگترین مجتهدان و پیشوایان مذهبی، حاج میرزا محمد حسن مجتهد شیرازی مقیم سامره و حاج میرزا حسن آشتیانی گروهها و طبقات ناراضی خواه روحانی و بازرگانان و خواه افراد

۱- شیخ ذبیح‌الله محلاتی در کتاب مآثر الکبراء فی تاریخ سامرا در این باره چنین اشاره می‌کند: «در این موقع از طرف فرنگیان عده زیادی مبلغ که در حدود صد هزار زن و مرد بود بایران آمدند و مرکز تبلیغ خود را در تهران قرار دادند، طولی نکشید که این عده بین شهرستانها پخش گشتند و در هر نقطه مشغول تبلیغ مردم بدیانت مسیح شدند، کلیساها ساختند و برای پیشرفت خود مریضخانه‌هایی بنا کردند و دختران مسلمان را که تا آن روز زیر پرده عصمت بودند برای پرستاری استخدام کردند و آنان را بی‌حجاب بامور پرستاری واداشتند، مردم که آن روز تا اندازه‌ای پایبند بامور شرعی بودند و این کارها را مخالف شرع میدیدند در صدد مخالفت برآمدند».

نقل از کتاب تحریم تنباکو صفحه ۴۲؛ با اندکی تصرف لفظی که در گروهش نموده شده است).

عامی جناح متحدی در برابر حکومت و سیاست استثماری دولتهای اجنبی تشکیل دادند. بموجب فتوای مجتهد سامره مبنی بر تحریم استعمال دخانیات تظاهرات دامنه‌داری صورت گرفت، بازارها بسته شد و در مدت کوتاهی استعمال دخانیات بکلی متروک گردید.

دکتر فوریه طبیب دربار میگوید که: «همه بازرگانان و خرده‌فروشان تنباکو دکانهای خود را تخته کردند و غلیانها را بدور افکندند و هیچ کس چه در شهر و چه در خانه‌ها و حتی در اندرون و منازل زنان شاه، لب به غلیان نمیزد».

در طول مدت دو ماه تحریم، تظاهرات بصورت جدی و واقعی با پشتیبانی کلیه طبقات بصورت اجتماعات منظم، کندن اعلامیه‌های کمپانی و انتشار و نصب اعلامیه‌های مخالفت آمیز بجای آن علی‌رغم تضيیقاتی که از طرف دستگاههای دولتی فراهم میشد ادامه داشت. از طرف ناصرالدینشاه حاج میرزا حسن آشتیانی را تهدید به تبعید کردند. ولی عامه مردم مانع خروج مجتهد مزبور از تهران گردیدند و قریب چهار هزار تن از طبقات مختلف مردم در حالی که پارچه سفیدی کفن‌وار بگردن انداخته بودند با چوب و چماق، بهمراهی عده بسیاری از زنان که با روبنده سفید و پیچه و چاخچور بروی سر لجن مالیده و ناله و زاری میکردند بطرف قصر سلطنتی رهسپار شدند و وقتی به میدان ارک رسیدند بتظاهرات شدیدی پرداختند. قوای دولتی با اسلحه بمبارزه انقلابیها پرداخت ولی با اینکه در این ماجرا عده‌ای از تظاهر کنندگان کشته و مجروح شدند. و عده‌ای از رجال مخالف و تجار و افراد دیگر نیز توقیف و تبعید گردیدند باز هم انقلابیها دست از مقاومت منفی خود برنداشتند.

تحریم تنباکو خسارات جبران ناپذیری بکمپانی خارجی وارد آورد و سهام آن شرکت در سال ۱۸۹۱ میلادی در بورس لندن معادل ۵۰ درصد تنزل کرد.

مبارزه هم‌هنگ و یک شکل طبقه‌های مختلف ایران دولت را وادار ساخت که امتیاز مذکور را لغو سازد، هر چند که پس از آن دولت ناچار شد بمنظور پرداخت خسارت به کمپانی بقرضه‌های کلانی از بانک شاهنشاهی متوسل گردد و مشکلات تازه‌ای بوجود آورد.

لغو امتیاز نامه رژی و موفقیت ملت در نخستین جنبش خود لطمه بزرگ و

۱- نقل از کتاب انقلاب ایران، تألیف ادوارد برون، صفحه ۵۰.

جبران ناپذیری بقدرت مطلق حکومت وارد آورد و مفتاح انقلابات و حوادث تاریخی بعدی گردید. که از آنجمله بقتل رسیدن ناصرالدینشاه در سال ۱۳۱۳ ه.ق بدست میرزا رضای کرمانی یعنی شخصی که در واقعه رژی جزء توقیف شدگان و از طرفداران سید جمال‌الدین اسد آبادی بود. با کشته شدن ناصرالدینشاه آتش نارضایی خاموش نشد، بلکه دامنه مبارزه ملت بر ضد توسعه روزافزون تسلط سرمایه‌های خارجی بر ایران صورت جدی‌تری بخود گرفت.

توضیح آنکه پس از بقتل رسیدن ناصرالدینشاه و روی کار آمدن مظفرالدینشاه و پیدا شدن زمینه‌های مساعدی برای فعالیت آزادیخواهان و روشنفکران، عواملی مانند اعطای امتیازات تازه، تهی شدن خزانه مملکت بر اثر اسراف و ولخرجیهای درباریان و دولتیان و اخذ وامهای متعدد از دولتهای خارجی و مهمتر از آن هم وضع مالیاتهای سنگین نوین و تعرفه‌های جدید گمرکی که اثر مستقیم در زندگی عامه و بخصوص سرمایه‌داری و خرده بورژوازی بازار داشت و نیز بروز قحطی در تهران و شهرستانها همه موجبات خشم و نارضایی عمومی را فراهم ساخت.

از سوی دیگر ظلم و تعدی که از طرف عمال دولتی بخصوص صدراعظم وقت (عین‌الدوله) نسبت بافراد ملت میشد آتش خشم و هیجان مردم را شعله‌ور میساخت، واکنش این ناخشنودیهای پنهانی، بصورت شورشهایی در نواحی مختلف ایران تجلی کرد از جمله در سال ۱۲۸۲ شمسی (مطابق با ۱۳۲۱ ه.ق و ۱۹۰۳ م) نارضایی از تعرفه‌های گمرکی جدید و نابسامانی اوضاع وقت سبب بروز طغیان و شورشهایی در تهران و شهرستانها گردید. در شهرستان یزد و اصفهان نارضایی اجتماعی بصورت کشتار دسته جمعی فجیع و ظالمانه با بیان خودنمایی کرد.

در تبریز بازرگانان ناراضی همراه با قیامی که از طرف روحانیان بر ضد مدارس جدید، میخانه‌ها و مهمانخانه‌های بسبک اروپائی برهبری یکی از مجتهدان معروف بنام حاج میرزا حسن شده بود. دست بتظاهراتی زدند و بازارها را بستند و در مسجد شاهزاده تحصن گزیدند و از محمد علی‌میرزا ولیعهد بر کناری مسیو پریم بلژیکی سرپرست گمرک و تعطیل دبستانها و همچنین میخانه‌ها و مهمانخانه‌های جدید را خواستار شدند. موافقت محمد علی‌میرزا با بست نشینان بختم تحصن دو روزه و غارت و تخریب مدارس و میخانه‌ها و اخراج موقتی مسیو پریم منجر گردید. ولی از این انقلاب نتیجه‌ای که

منظور بازرگانان بود حاصل نشد و تعرفه‌های جدید بقوت خود باقی و سرپرست بلژیکی نیز بدستور محمد علی میرزا دوباره بکار خود در گمرک بازگشت.

مقارن این ایام در تهران و شهرستانها تظاهراتی بر ضد اتابک اعظم (امین‌السلطان) که او را عامل نفوذ اجنبی میدانستند صورت گرفت و مخالفت و ضدیت بعضی از روحانیان مؤثر سبب شد که شاه، امین‌السلطان را از صدارت عزل کند و عین‌الدوله را که از شاهزادگان و درباریان مستبد بود بصدارت برگزیند. نخستین اقدام عین‌الدوله که با نارضایی بیش از پیش روحانیان مواجه شد دستگیر ساختن و کتک زدن چند تن از علما و طلاب معروف و بنام و تبعید آنها به اردبیل بود (رجب ۱۳۲۱ ه.ق)، توضیح آنکه طلاب مدرسه محمدیه و مدرسه صدریه که هر یک از این مدارس دارای موقوفات بسیار بود، بر سر موقوفات با هم اختلاف پیدا کردند و دامنه این اختلاف بجداال و زد و خورد کشید و دسته‌ای از طلاب با‌آقای سید عبدالله بهبهانی و جمعی دیگر بعلمای دیگر متوسل گشتند و اختلاف مزبور بصورت دو دستگی بین دو گروه روحانیان در آمد. عین‌الدوله صدراعظم که میانه خوبی با آقای بهبهانی نداشت از این موقع برای سرکوب ساختن مخالفان خود استفاده کرد و دستور توقیف چهارده تن از طلاب را صادر نمود. دستگیر کنندگان را پس از توقیف و مواخذه در گاری نشاندهند و در حالی که پانصد سوار اطراف گاری را گرفته بودند با وضعی اهانت بار در خیابانهای شهر بگردش در آوردند، سپس بلشگر گاه بردند و آنها را چوب زدند. پس از دو روز در حالی که هر هفت تن را با هم بزنجیری محکم بسته بودند آنها را باردبیل روانه ساختند.

واکنش این اقدام مستبدانه عین‌الدوله در شهرستان زنجان بصورت خشم و هیجان عمومی خودنمایی کرد دکانها و تجارتخانه‌ها تعطیل گردید، عامه مردم زنجان بر آن شدند که از ادامه حرکت زندانیان و تبعید شدگان بطرف اردبیل جلوگیری کنند و در نتیجه مأمورین دولت مجبور میشوند دستگیر شدگان را از بیرون شهر بطرف اردبیل حرکت دهند. سرانجام در نتیجه فعالیت و پافشاری زنجانیان، طلاب مزبور پس از دو ماه توقیف در اردبیل با موافقت شاه و بدستور عین‌الدوله بزنجان منتقل و مدت پنج ماه در همان زنجان تحت نظر قرار گرفتند.

واقعه مزبور در تهران نیز سبب شد که بین علما و روحانیان که از زمان امین‌السلطان بدو دسته متمایز تقسیم شده بودند از طرف دسته مخالف دولت وقت صدای اعتراض درباره عمل صدر اعظم و توهینی که نسبت بطبقه روحانی شده بود بلند شود و مخالفت هر دو دسته آغاز گردد رهبران این دو گروه عبارت بودند از «حاج شیخ فضل‌الله نوری» مجتهد زیرک و متعین و دارای مریدان بسیار و «حاجی میرزا ابوالقاسم امام جمعه» یکی از روحانیان ثروتمند و مالک عمده که دارای موقوفات فراوان بود، و گروه دیگر مرکب بودند از «آقای سید عبدالله بهبهانی» مردی که صاحب نفوذ کلام بسیار و از روحانیان فهمیده بود و «آقای سید محمد طباطبائی» یکی از پیشوایان روحانی آرایخواه و دشمن سر سخت ظلم و اجحافات و آشنا بسیاست روز و اوضاع جهان، در جریانات بعدی و مبارزاتی که از طرف ملت بهمراهی روحانیان برای کسب آزادی و بدست آوردن حکومت مشروطه و قیام ملی بر ضد استبداد صورت گرفت خواهیم دید که رهبران دو دسته چه وظایف مهمی در انقلاب و تغییر مسیر تاریخ بعهده داشته‌اند.

نارضایی طبقه بازرگان و کوشش آنان برای اعاده منافع مادی خود بصورت اعتصابات عمومی در تاریخ نمودار گشت. در تهران بسیاری از بازرگانان دکانها و بازارها را تعطیل کردند و در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند و شرایط خروج خود را از تحصن، بر کناری «مسیو نوز» و سایر کارمندان بلژیکی اداره گمرک و لغو تعرفه‌های جدید گمرکی اعلام داشتند در این ایام که مظفرالدین‌شاه عازم سفر اروپا بود محمد علی‌میرزا بعنوان نایب‌السلطنه انتخاب گردید وی اجابت تقاضاهای بست‌نشینان را بیازگشت شاه از اروپا موکول کرد، در نتیجه پس از پنج روز که بازارها بسته و فعالیت اقتصادی بازار متوقف مانده بود غایله بدون نتیجه آنی بطور موقت خاتمه یافت، بدنبال آن دیری نگذشت که در بوشهر نیز پس از روی کار آمدن مدیر جدید بلژیکی و اجرای شدید مقررات جدید گمرک، بازرگانان بمخالفت برخاستند و در ضمن تلگراف بشاه شرط ادامه فعالیت بازرگانی و وارد کردن کالاهای خارجی را بایران لغو مقررات جدید اعلام داشتند و از ترخیص کالاهای تجارتنی خود از گمرک خودداری کردند.

در شهرستان کرمان (آبان ماه سال ۱۲۸۴ شمسی) طغیان عمومی بصورت انقلابی آغاز گردید که منشأ و بهانه مستقیم آن را باید در اختلاف مذهبی دایم بین دو طایفه شیخیه و متشرعه و نیز نارضایی عمومی از مظالم و بدرفتاری رکن‌الدوله حاکم

کرمان جستجو کرد. توضیح آنکه دو طایفه مذهبی مزبور بر سر امامت مسجد بازار شاه که دارای موقوفات بیشماری بود با یکدیگر اختلاف و کشمکش داشتند و در این واقعه چند تن از مجتهدان معروف و طلاب وقت بدستور حاکم توقیف شدند و مورد اهانت قرار گرفتند، کتک خوردن چند تن از علمای، بنام از جمله حاج میرزا محمد رضا مجتهد که تازه از نجف آمده و اندیشه پیشوایی در سر داشت و سه تن دیگر از ملایان و تبعید آنها برفسنجان سبب خشم و هیجان عمومی مردم کرمان گردید، از اینرو بسیاری از علما و پیشنمازان بعنوان تعرض باهانتی که نسبت بروحانیان وارد شده بود از رفتن بمسجد و ادای نماز جماعت خودداری کردند. انتشار این خبر در تهران و نیز اشاعه بدرفتاری دیگر حکمرانان از جمله در قزوین و سبزوار نسبت بملایان که بصورت شدیدتری عملی گردیده بود در کلیه محافل روحانیان و عوام تأثیری نامطلوب بخشید و سبب شد که رؤسای روحانیان مخالف دولت دور هم گرد آیند و طرحی اساسی برای مبارزه با عین‌الدوله بریزند. مقارن این ایام (سال ۱۲۸۴ شمسی مطابق با ۱۳۲۲ ه.ق) در تهران نیز اقدام بانک استقراضی دایر بخرید زمین موقوفه مدرسه و گورستانی در مرکز شهر و بنای ساختمان جدید برای بانک مزبور با مخالفت علما که در دل از مظالم عین‌الدوله و واقعه کرمان ناراضی بودند روبرو شد و علما اعتراض خود را از این عمل دولت آشکارا اعلام داشتند و چون عامه مردم نیز خراب کردن قبرستان و غصب اراضی موقوفه را امری نامشروع میدانستند، مخالفت علنی و آشکار روحانیان بصورت وعظ در مساجد بر هیجان و نارضایی آنها افزود و هنگامی که در تاریخ چهارم آذر ماه ۱۲۸۴ شمسی مطابق با ۲۷ رمضان ۱۳۲۲ ه.ق شیخ محمد واعظ اصفهانی در ضمن وعظ بکیفیت خلاف شرع بودن ساختمان بانک در اراضی موقوفه و توجه نکردن دولت باین امر اشاره کرد و با تمهید مقدماتی خاص و ادای عبارتی بدین مضمون به سخن خود خاتمه داد:

«اکنون کاری که از ما ساخته است اینست که زحمت دو قدم راه بخود دهید و از اموات و اجداد خود زیارتی بکنید، بلکه یک وداع آخرین از قبور و استخوانهای آنها بنمایید و فاتحه بر آنها بخوانید و ارواح آنها را شاد کنید» و بیان عبارت مزبور خشم و

هیجان عمومی را برانگیخت و در ظرف مدت خیلی کوتاهی که بیش از دو ساعت طول نکشید، بنیاد ساختمان بانک ویران شد و این عمل مورد اعتراض مقامات بانک استقراضی روس قرار گرفت و دولت با پرداخت بیست هزار تومان بدولت روسیه جبران خسارت کرد.

جنگ روس و ژاپون (در سال ۱۹۰۵ میلادی) در وضع بازار ایران تأثیر کرد قیمت اجناس از جمله قند که از کالاهای وارداتی دولت روسیه بود بالا رفت و در اواخر ماه رمضان سال ۱۳۲۲ ه.ق قند در تهران کمیاب شد. علاءالدوله حاکم تهران که مردی سختگیر بود و خود را نماینده قدرت صدراعظم میدانست در روز چهاردهم شوال هفده تن از تجار را که معامله قند و شکر بازار در انحصار آنها بود بدارالحکومه احضار کرد. دعوت وی بظاهر برای پایین آوردن قیمتها بود ولی در باطن بقصد تنبیه و گوشمالی تجاری که بمخالفت با مسیونوز در حضرت عبدالعظیم متحصن شده بودند، سیاست جابرانهای پیش گرفت و چون از آنها التزام کتبی خواست که قند و شکر را بقیمت پیشین بفروشند و ارزان کنند و تجار نپذیرفتند، دستور داد چند تن از بازرگانان معمر و نیکوکار از جمله سید هاشم قندی و حاجی سید اسماعیل را بفلک بستند و چوب زدند، نتیجه چنین سیاستی که با تصویب عینالدوله بود خشم همگانی را برانگیخت و بدنبال آن اعتصابات و مبارزات عمومی و خونینی در تهران و شهرستانها آغاز گردید، بازرگانان و کسبه دکانهای خود را بستند و تعطیل عمومی و خونینی در تهران و شهرستانها آغاز گردید، و در مسجد شاه تحصن گزیدند.

فعالیتهای اقتصادی را کد ماند و تظاهرات دامنه‌دار ادامه داشت، دولت بمدد نیروی پلیس و قشون با بستن نشینان بمقابله پرداخت. پس از این تحصن که از طرف تجار و رؤسای اصناف در ایران (در تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۳ ه.ق و مطابق با ۲۲ آذرماه ۱۲۸۵ شمسی و ۱۳ دسامبر ۱۹۰۵ میلادی) شروع شد، روحانیان طراز اول تهران نیز بمنظور پشتیبانی از بازاریان در مسجد شاه اجتماع کردند و در جریان این اجتماع بعلت مخالفت شخصی بعضی از روحانیان که از ایادی حکومت وقت و مخالف انقلاب بودند پس از آغاز وعظ توسط سید جمال‌الدین اصفهانی و نکوهش وی از مظالم عینالدوله و گفتن جمله تاریخی «اعلیحضرت شاه اگر مسلمان است با علمای اعلام همراهی خواهد فرمود و عرایض بیغرضانه آنها را خواهد شنید والا اگر برخلاف مصالح ملت کار کند

ملت او را...» بدستور امام جمعه تهران جمعی از پیروان او بهمراهی فراشان حکومتی بطرف منبر هجوم بردند و بزدخورد با روحانیان آزادیخواه پرداختند و بدین وسیله جمعیت و اجتماع مسجد را متفرق ساختند.

بدنبال این حادثه سید محمد طباطبائی که میتوان وی را از پیشروان انقلاب ایران و از طرفداران جدی مشروطیت دانست تصمیم گرفت به حضرت عبدالعظیم عزیمت کند و همراه با آقای سید عبدالله بهبهانی و چند تن از علمای معروف و گروه کثیری در حدود دو هزار تن از طلاب و چند تن از بازرگانان در تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۲۳ ه.ق در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.^۱

در این بست‌نشینی نکته شایان تذکر پیوستن شیخ مهدی پسر شیخ فضل‌الله نوری از موافقان دولت، همراه با شصت تن دیگر از طلبه‌ها بروحانیان آزادیخواه و متحصنان بود (وی عضو مجمع آزادیخواهان بود و در تمام مبارزاتی که بخاطر مشروطیت و برقراری حکومت ملی صورت گرفت با دیگر مشروطه خواهان همراه بود تا در انقلابات دوره استبداد صغیر بقتل رسید).

شماره بست‌نشینان با وجود مخالفت عینالدوله که توسط سپاهیان مانع از پیوستن توده‌های مردم بمتحصنان میشد بتدریج روی بافزایش میگذاشت و باینکه عینالدوله بطور رسمی اعلانی منتشر ساخت و از رؤسای اصناف و کسبه التزام گرفت که در صورت تعطیل بازار باشد مجازات محکوم خواهند شد باز هم تجار معتبر از ادامه کار خودداری می‌کردند و در عمل اغلب دکانها و تجارتخانه‌ها بسته و تعطیل شد. سران بست‌نشینان در طی اعلامیه‌ای در خواستهای خود را در تحت چند ماده که کمتر جنبه عمومی و ملی داشت پس از تشکیل جلسه‌ای در ۹ ذیقعه سال ۱۳۲۳ ه.ق و تصویب اکثریت بدین شرح بدولت اعلام داشتند:

۱- بر کناری مسیونوز بلژیکی از گمرک و مالیه ایران.

۲- بر کناری علاءالدوله حاکم تهران.

۱- از روحانیان و مجتهدان بنام که با منظور دو سید همراه بودند باید از آقایان، حاج شیخ مرتضی آشتیانی صدرالعلماء، سیدجمال‌الدین افجه‌ای، میرزا مصطفی آشتیانی، شیخ محمدصادق کاشانی و شیخ محمدرضا قمی نام برد، از میان طلابی که با آقایان همراه شدند طلاب مدرسه صدر و دارالشفای نیز با اینکه تولیت آن با امام جمعه تهران بود شرکت داشتند.

۳- باز گردانیدن حاجی میرزا محمد رضا مجتهد از رفسنجان بکرمان.

و چند ماده دیگر که بیشتر درباره حفظ منافع صنفی روحانیان بود، آخرین ماده‌ای که علما پیشنهاد کرده بودند یعنی ماده هفتم، اصلاح در کلیه امور با رعایت نظر علما بود. در باره ماده اخیر توضیحی به پیشنهاد چند تن از آزادیخواهان و توصیه سفیر عثمانی از آن نظر که جنبه عمومی و ملی داشته باشد بدین شرح اضافه شد: «توضیح ماده هفتم - مراد از قرارداد در اصلاح کلیه امور تأسیس دیوان عدالت است بر طبق شرع مقدس اسلام از روی کتاب و تشکیل یک مجلس مشورتخانه ملی برای اجرای قانون مساوات در تمام نقاط ایران که فرق میان وضع و شریف گذارده نشود و هر ذیحقی بحق خود برسد.» این تقاضانامه با وساطت ابراهیم بیگ عثمانی بوسیله میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه در حضور خود عین‌الدوله بعرض شاه رسانده شد شاه در مقابل تقاضاهای گروههای متشکل ملی بظاهر تسلیم شد و در ضمن دستخطی بتاريخ ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق اجرای در خواستهای آنها را وعده داد و ما در اینجا متن دستخط شاه را که بعنوان عین‌الدوله نوشته شده است نقل میکنیم:

«جناب اشرف اتابک اعظم، چنانکه مکرر این نیت خودمان را اظهار فرموده‌ایم ترتیب و تأسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت از هر مقصود مهمی واجبتر است و اینست بالصراحه مقرر میفرماییم برای اجرای این نیت مقدس قانون معدلت اسلامی که عبارت از تعیین حدود و اجرای احکام شریعت مطهره است باید در تمام ممالک محروسه ایران عاجلا دایر شود بوجهی که میان هیچ یک از طبقات رعیت فرقی گذاشته نشود و در اجرای عدل و سیاست بطوریکه در نظامنامه این قانون اشاره خواهیم کرد ملاحظه اشخاص و طرفداریهای بیوجه قطعاً و جداً ممنوع باشد. البته بهمین ترتیب کتابچه نوشته مطابق قوانین شرع مطاع فصول آن را ترتیب دهید و بعرض برسانید تا در تمام ولایات دایر و ترتیبات مجلس آنها بوجه صحیح داده شود و البته این قبیل مستدعیات علمای اعلام که باعث مزید دعاگویی است همه وقت مقبول خواهد بود. همین دستخط ما را هم بعموم ولایت ابلاغ کنید. شهر ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق.»

دستخط مذکور دایر بافتتاح عدالتخانه و اجرای مستدعیات دیگر در مجمع بست‌نشینان در حضرت عبدالعظیم قرائت گردید و از طرف بست‌نشینان فریاد زنده باد پادشاه اسلام. زنده باد ملت ایران بلند شد، جالب توجه این است که برای نخستین بار در تاریخ

اجتماعات ملت ایران صدای تکان دهنده و هیجان‌انگیز، زنده باد ملت بلند شد. مهاجران پس از این پیروزی بتحصن خود در تاریخ ۲۲ دی ماه شمسی و جمعه ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق (مطابق با ۱۲ ژانویه ۱۹۰۶ میلادی) خاتمه دادند، و از این پس پیشوایان روحانی و بطور کلی علما نفوذ بیشتری حاصل کردند و توانستند با اعتباری تمام در امور سیاسی و دولتی مداخله کنند.

از طرف دولت بمنظور اجرای در خواستهای انقلابیها کمیسیونی مرکب از هیأت دولت و مجتهدان تشکیل شد و مأمور تهیه نظامنامه (مجمع مشاوره قانونی) و سایر اصلاحات کشوری گردیدند. ولی نتیجه کار این کمیسیون بعلت مخالفت و کارشکنی عین‌الدوله و سران ارتجاع از پیش نرفت و منظور ملیون برآورده نگردید.

مردم هوشیار و بیدار دل که از تعقیب منظور خود دست برنمیداشتند بار دیگر بتظاهرات شدیدتری چه در تهران و چه در شهرستانها بصورت بست نشینی در اماکن زیارتی و سفارتخانه و قنصلگریهای انگلیس روی آوردند از آن جمله:

در شهرستان شیراز اغتشاشات و شورشهایی که ناشی از نارضایی مردم از حکومت شعاع‌السلطنه^۱ و نایب‌الحکومه بود بار دیگر بروز کرد و مردم شیراز برای چاره‌جویی و رهایی از شدت ظلم و فشار تعدیات کارمندان حکومتی بشاه چراغ که یکی از اماکن زیارتی است شتافتند و متحصن گردیدند. این تحصن بدستور سردار مکرّم بکشتار سی تن و مجروح شدن صدها تن از متحصنان و سرانجام به بست‌نشینی در قنصلگری انگلیس و تلگرافخانه منجر گردید، و علمای شیراز تلگرافی بشاه و محمد علی‌میرزا ولیعهد بامضای آقای میرزا ابراهیم محلاتی که از علمای معروف زمان بود مخابره کردند و بدین وسیله از شاه و صدراعظم تقاضای دادخواهی نمودند. نکته شایان توجه و تذکر در تلگراف علمای شیراز جمله معروفی است که در آن از حکومت اسلامی بمعنی حکومت جمهوری و ملی یاد میکنند: «دولت اسلامی دولت جمهوریست

۱- ملک منصور شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدینشاه در فارس تحت عنوان خرید دههای خالصه از شاه، املاک مردم را هم بزور متصرف شد و ظلم و تعدی فراوانی بمالکان و روستائیان آنجا میکرد و پس از آنکه تصمیم بمسافرت اروپا گرفت سردار مکرّم را که مردی ظالم و مستبد بود به نیابت حکومت انتخاب کرد وی نیز همان رفتار شاهزاده شعاع‌السلطنه را پیش گرفت و از ظلم و تعدی نسبت برعایا کوتاهی نکرد.

و باید در دست مردمان کاردان و شریف و خداپرست و عدالتخواه باشد نه مردمان پست و مستبد»

در شهرستان مشهد در فروردین ماه ۱۲۸۵ شمسی، بالا رفتن قیمت ارزاق بخصوص نان و گوشت بهانه مستقیمی برای جنبش و اعتراض بر ضد حکومت جابرانه آصف‌الدوله حاکم خراسان بدست مردم داد و دسته‌های منظم و متشکلی از مردم و افراد گرسنه در صحن حرم حضرت رضا (ع) متحصن شدند، حکومت وقت بجای تلاش در بهبود وضعیت بسربازان دستور داد که بطرف بست‌نشینان گلوله شلیک کنند و در نتیجه چهل تن کشته و عده کثیری مجروح گشتند، واکنش شدید مأموران دولت در مقابل بست‌نشینان موجبات خشم عمومی را در تهران و سایر شهرستانها فراهم ساخت.

در تهران روحانیان و آزادیخواهان پس از مذاکرات طولانی و ممتد که با مظفرالدینشاه و هیأت دولت وقت کردند، چون برخلاف اصلاحات معهود از طرف مظفرالدینشاه و وعده‌های بهبود اوضاع، دریافتند که دولت بتأسیس عدالتخانه و اجرای دیگر خواسته‌های آنها حاضر نیست بلکه برعکس با استبداد شدیدتر عین‌الدوله مواجه هستند دوباره مبارزه آشکار با عین‌الدوله پرداختند.

مقدمات مبارزه در ضمن انتشار بیانیه‌ها و شبنامه‌ها و تبلیغ وعظ در مساجد و منابر آغاز گردید بخصوص که شرایط زمانی از نظر تصادف وقایع مزبور با ایام محرم و عزاداری موجود بود و از اینرو تشکیل اجتماعات در اماکن مقدس بیشتر شد مساجد و منابر صحنه مبارزه سیاسی شد، وعظ معروف و بنام از قبیل سید جمال‌الدین اصفهانی - که نفوذ بسیاری در میان طبقات بازاری و توده عوام داشت - مظالم و خلافت‌های عین‌الدوله و مفاسد اوضاع را با زبان عوام فهم تشریح میکردند و توده ملت را در ضمن نكوهش و بدگویی از حکومت ظلم در نهان برای انقلاب آماده میساختند و آنها را بمخالفت با اعمال دستگاه ارتجاع تشویق و تحریض می‌کردند. دو سید پیشوای روحانیان آزادیخواه نیز در بالای منبر در مساجد (سرپولک) و (چاله حصار) از اوضاع آشفته و پریشان ایران و اعمال دولت انتقاد می‌کردند و مردم را برای مبارزه آماده می‌ساختند. آقای سید محمد طباطبایی خطاب بمردم بالای منبر بصراحت گفت «ای

مردم بیدار شوید درد خود را بدانید و دواى آنرا پیدا کنید. درد استبداد - و درمان شور و مشورت است اگر ده سال طول بکشد ما عدالتخانه و مجلس میخواهیم که شاه و گدا در برابر قانون مساوی باشند» آقای سید عبدالله بهبهانی در ضمن ارسال نامه‌ای بسفارت انگلیس از سفیر آن دولت درخواست کرد که با خواسته‌های ملت ایران و کوشش آنها در رفع ظلم و استبداد کمک کند.

عین‌الدوله از فعالیت و اقدامات آزادیخواهان ناراحت و متغیر گشت و برای جلوگیری از آن بتفرقه انداختن بین انقلابیها و ترساندن مردم بوسایل مختلف شروع کرد و بحبس و تبعید و توقیف پاره‌ای از اشخاص پرداخت. از آنجمله در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ هـ.ق (۱۷ ژوئن ۱۹۰۶ میلادی) حاج میرزا حسن رشديه، مجدالاسلام کرمانی و میرزا آقا اصفهانی را بکلات نادری تبعید کرد. همچنین پس از تبعید سید جمال‌الدین واعظ مشهور در روز ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ هـ.ق دستور توقیف حاجی محمد واعظ معروف به «سلطان‌الواعظین» را صادر ساخت، اقدام اخیر عین‌الدوله بهانه‌ای بدست مردم ناراضی داد و در موقعی که بدستور مأمور بازداشت (یاور احمدخان) میخواستند واعظ را از جلو مدرسه «حاجی ابوالحسن معمارباشی» عبور بدهند طلاب و مردم بهواخواهی شیخ بتظاهرات پرداختند و برای نجات وی بطرف قراولخانه که سید را در آن زندانی ساخته بودند هجوم آوردند، حمله مهاجمان از طرف سربازان بی واکنش نماند، فرمانده از آزاد شدن سید برآشفته شد و بعده خود دستور داد تا بطرف جمعیت شلیک کنند. در این حادثه پانزده تن کشته شدند و از جمله کشته‌شدگان طلبه‌ای موسوم به «سید عبدالحمید» بود که از حوزه درس مراجعت میکرد چون صحنه مبارزه را دید بفرمانده پرخاش کرد و فرمانده نیز سینه سید را هدف تیر قرار داد، با کشته شدن طلبه مذکور هیجان عمومی و مقاومت و پافشاری مردم در مقابل دولت شدیدتر و افزون‌تر گردید عده کثیری از طبقات مختلف از جمله بازرگانان و پیشه‌وران و کارگران در مسجد جامع اجتماع کردند، شهر تهران را شور و غوغایی فرا گرفت و مردم بعنوان اقامه مجلس عزاداری جهت طلبه مزبور موقع را برای رسیدن بمقصود و دفع ظلم و فساد هیأت حاکمه مناسب دانستند و بتظاهرات دامنه‌داری دست زدند.

عین‌الدوله برای متفرق ساختن اجتماع عظیم روحانیان و بازاریان در مسجد

جامع دستوری صادر کرد و با اینکه از طرف مجریان دستور تصمیمات شدید مخالفی دایر بر اخراج آنها از مسجد گرفته شد و مانع رساندن آذوقه به بست‌نشینان گردیدند، باز هم پیشوایان مذهبی با عده دیگری از علما بتحصن خود ادامه دادند. چون از طرف دولت پیوسته وضع تحصن را طاقت فرسا می‌کردند متحصنان بدولت اعلام کردند یا عدالتخانه تأسیس بشود یا اجازه خروج و مهاجرت بعتبات بآنها بدهند و یا اینکه بزندگی آنها خاتمه دهند.

مظفردین‌شاه در ضمن دستخطی اجازه خروج آنها را از شهر با حفظ تأمین صادر ساخت متحصنان در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۴ هـ.ق برابر با تیر ماه ۱۲۸۵ شمسی (مطابق با ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۶ میلادی) به پیشوایی و رهبری آقایان سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی با افراد خانواده خود و چند تن از علمای معروف از جمله شیخ فضل‌الله نوری که از مجتهدان متنفذ و از یاران و همدستان عین‌الدوله بود از آنجا که در مقابل هیجان عمومی مصلحت خود را در همراهی با روحانیان آزادیخواه میدید در تحصن مسجد جامع و مهاجرت با ملیون همراهی کرد و همراه با روحانیان طراز اول و قریب هزار تن از طلاب نیز بطرف قم حرکت کردند.

مهاجران در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۲۸۵ شمسی بقم وارد شدند. آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی در موقع حرکت از تهران بار دیگر نامه‌ای بسفارت انگلیس نوشت و از دولت مزبور برای مبارزه با بیدادگری و مظلوم‌های حاکمه استمداد طلبید، و بدینوسیله مقدمات و زمینه بست‌نشینی در سفارت را که از پیش نیز با کمک چند تن از تجار معتبر آزادیخواه و رؤسای اصناف و دیگر آزادیخواهان مهیا شده بود فراهم ساخت. و با اینکه کاردار سفارت انگلیس بظاهر بنامه آقای بهبهانی جواب مخالف داده بود باز هم بدنبال مهاجرت علما بقم که معروف بهجرت کبری است در تهران بازارها تعطیل و در حدود پنجاه تن از بازرگانان و طلبه‌ها در تاریخ پنجشنبه ۲۷ تیرماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۶ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۴ هـ.ق در سفارت انگلیس متحصن شدند و روزبروز بر

۱- در مورد تعداد اولین دسته متحصنان بسفارت انگلیس اختلاف نظر است، ناظم‌الاسلام کرمانی تعداد نخستین دسته متحصنان را در حدود ۹ تن و تاریخ آن را در دوشنبه ۲۴ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۴ هـ.ق ذکر کرده است

تعداد بست‌نشینان افزوده میشد تا آنجا که بقول مورخان تعداد آنان در ظرف پنج روز در حدود ۱۲ تا ۱۴ هزار تن بالغ گشت.

بست‌نشینان بمنظور برقراری حکومت مشروطه و تشکیل مجلس با وجود کوششهای فراوانی که از طرف دولت و درباریان برای در هم شکستن اتحاد ملت انجام می‌گرفت بتحصن خود ادامه دادند.

ادوارد برون در این باره چنین متذکر شده است که در حدود ۱۲ هزار تن در هر نقطه از سفارت چادری برپا کرده و از هر نقطه بازرگانان و پیشه‌وران در هم فشرده شده‌اند، روزان و شبان با گردنهای کشیده و با بردباری گرد هم نشسته پافشاری میکنند که تا بمراد مطلوب خود نرسند پای از سایه بیرق انگلیس فراتر نخواهند گذاشت. آنها با متانت و انضباط شایسته تحسینی موقع گرفته‌اند و با وجود شماره قابل ملاحظه‌شان کمتر مزاحمتی دارند^۱.

بست‌نشینان در قریب پانصد چادر بسر میبردند و هر صنف از اجتماع کنندگان چادری مخصوص بخود داشت. این بست‌نشینی دارای تشکیلات منظم و دستگاه‌های انتظامات، تهیه اطلاعات و نشر عقاید و تبلیغ بود، دستگاه نشر عقاید و تبلیغ هر شب بوسیله وعظ و مبلغان مشهور مجالس وعظ سیاسی تشکیل میداد و در ضمن تشریح مظالم دستگاههای حکومتی از حکومت قانون و عدالت سخن میراند و بتدریج مردم را با معنی مشروطیت و حکومت قانون آشنا می‌کرد. اعتصابات عمومی مردم تهران و مهاجرت علماء و گروههای ملی بقم، در شهرستانها نیز موجبات هیجانات عمومی و طرفداری از مشروطه‌خواهان را فراهم ساخت و نمایندگان از طرف خود بقم که یکی از مراکز فعالیت مشروطه‌خواهان شده بود گسیل داشتند و با تشکیل اجتماعات و تحصن در تلگرافخانه‌ها و مخبره تلگراف بشاه و ولیعهد مبنی بر درخواست گشایش مجلس و اعطای مشروطیت پشتیبانی خود را با گروههای ملی تهران اعلام داشتند.

تصمیم خلل ناپذیر قاطبه ملت ایران بتغییر رژیم حکومت و کشمکش بین ملیون و مستبدان درباری سرانجام بغلبه و پیروزی آزادیخواهان و انقلابیها منتهی گشت، و مظفردین‌شاه وادار شد که اساسی‌ترین و آخرین درخواستهای بست‌نشینان سفارت را که

مورد تأیید و تقویب همه گروههای ملی خارج از تحصن قرار گرفته بود در تحت ۵ ماده زیر بپذیرد.

۱- علمای اعلام بشهر و خانههای خود برگردند.

۲- شاهزاده اتابک اعظم از صدارت عزل شود.

۳- مجلس شورای ملی افتتاح یابد.

۴- قصاص قاتلان شهدای وطن عملی شود.

۵- تبعید شدگان از جمله میرزا حسن رشیدیه و دیگران بشهر خود برگردند.

عینالدوله روز یکشنبه هفتم جمادیالاول ۱۳۲۴ ه.ق از صدارت ایران عزل شد و میرزا نصرالله مشیرالدوله که تا حدودی با نیت گروههای ملی همراه بود بجای وی انتخاب گردید و عضدالملک رئیس ایل قاجار و حاجی نظامالدوله برای برگرداندن علما بتهران رهسپار قم شدند.

فرمان اعطای مشروطیت در روز یکشنبه ۱۴ جمادیالثانی ۱۳۲۴ ه.ق برابر با ۱۳ مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی (مطابق با ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی) از طرف مظفردالدینشاه بدین شرح صادر شد:

«جناب اشرف صدراعظم: از آنجا که حضرت باریتعالی جل شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در اینموقع که رأی و اراده همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه بمرور در دوایر دولتی و مملکتی بموقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین و شاهزادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف ملاکین و تجار و اصناف بانتهاب طبقات مرقومه در دارالخلافت تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازم را بعمل آورده و بهیئت وزرای دولتخواه مادر اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که لصبحة همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود. بدیهی است که بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این

مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که بصبحة ملو کانه رسیده و بعونالله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است افتتاح و باصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمائید تا قاطبه اهالی از نیت حسنه ما که تماماً راجع بترقی دولت و ملت ایران است کماینبغی مطلع و مرفهالحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند.

«قصر صاحبقرانیه بتاریخ ۱۴ جمادیالثانی ۱۳۲۴ ه.ق» «در سال یازدهم

سلطنت ما»

مشیرالدوله دستخط فرمان افتتاح مجلس را توسط فرزند خود میرزا حسین خان مؤتمنالملک بسفارت انگلیس فرستاد مؤتمنالملک متن فرمان را برای متحصنان قرائت کرد و چون بیان داشت که مجلس از نمایندگان انتخابی تهران تشکیل خواهد شد، بست‌نشینان که در طی مدت تحصن با تعلیماتی آشنا شده و جز مشروطیت و حاکمیت ملی هدف و منظوری نداشتند از این اعلام برآشفتنند و متفقاً با اعتراض اعلام داشتند ما خواهان «مجلس ملی» هستیم که حاکم مطلق باشد و عموم افراد ملت از هر شهرستان و هر نقطه در آن شرکت داشته باشند با این کیفیت ملت فرمان مشروطیت را که دایر بر تشکیل مجلس مشورتی بود کافی ندانست و بست‌نشینان سفارت انگلیس از تحصن خارج نشدند و مهاجران نیز در مقابل و عده نماینده دولت (نظریعدم اعتمادتسلیم نشدند و بتهران بازنگشتند. ناچار پس از جلسه‌ای که سران متحصنان با حضور صدراعظم تشکیل دادند (۱۷ جمادیالآخر ۱۳۲۴ ه.ق) و مذاکرات مفصلی که در مورد مجلس اسلامی پیشنهاد دولت و مجلس ملی پیشنهادی گروههای ملی و خواسته‌های دیگر در همین زمینه، فرمان مشروطیت را مطابق خواسته انقلابیها با صدور دستخط مجددی بدین شرح از طرف مظفردالدینشاه کامل کردند.

«جناب اشرف صدراعظم: در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه ۱۴

جمادیالثانی ۱۳۲۴ که امر و فرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده

بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله همایون ما واقف باشند امر و مقرر میداریم که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق صریحاً دایر نموده بعد از انتخاب اجزای مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوری که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که بشرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود صورت و انجام پذیرد.»

بدین طریق فرمان مشروطیت بنا براراده ملت مبنی بر انتخابات کلیه نقاط ایران و بنام شورای ملی باصدور فرمان مجددی که مکمل فرمان مورخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ.ق بود در روز پنجشنبه ۱۸ جمادی‌الثانی بامضاء مظفرالدین‌شاه رسید، اعتصابات ملی و مبارزات عمومی با موفقیت و پیروزی ملت پایان یافت و باب نوی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوجود آمد.

آزادیخواهان پس از این موفقیت، برای انتخاب نمایندگان و تهیه مقدمات افتتاح مجلس و تسلط حکومت ملی بر اوضاع آشفته ایران در صدد تهیه نظامنامه انتخابات برآمدند، و برای این منظور در تاریخ ۲۶ مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۷ جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ هـ.ق اولین «مجلس شورای ملی» بطور موقت که در واقع میتوان از آن بعنوان اولین مجلس مؤسسان یاد کرد در مدرسه نظام با حضور بیش از دو هزار تن از علماء و بازرگانان و اصناف و همچنین اعیان و وزراء و رجال درباری بمنظور تمهید مقدمات گشایش اولین دوره مجلس شورای ملی و تهیه قانون انتخابات تشکیل شد.

در اولین جلسه این مجلس مشیرالدوله صدراعظم نطقی از طرف هیأت دولت ایراد کرد و سپس با خطابه ملک‌المتکلمین مبنی بر سپاسگزاری از طرف ملت در جواب صدراعظم، مجلس خاتمه یافت و پس از آن جلسات عمومی مرکب از آزادیخواهان و علما برای تنظیم نظامنامه انتخابات مرتباً در هر هفته‌ای دو روز تشکیل می‌شد و بشور و مذاکره در باره مواد قانون انتخابات مجلس می‌پرداخت از طرف مشیرالدوله کمیته‌ای مرکب از روشنفکران بعصویت مخبرالسلطنه هدایت، مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله، محتشم‌السلطنه، میرزا حسنخان مشیرالملک، میرزا حسن خان مؤتمن‌الملک مأمور تهیه و تنظیم نظامنامه انتخابات شد.

تنظیم نظامنامه انتخابات نظر باختلاف منافع طبقات مختلف و بخصوص کارشکنی درباریان و شاهزادگان امر مشکل و دشواری را پیش آورده بود. خواست اشراف درباری خواهی نخواهی در تساوی حقوق با اصناف و طبقات متوسط بر طبق پیشنهاد روشنفکران نبود، تمایل باطنی آنها حفظ تسلط و قدرت خود بر اساس حکومت سلطنتی مطلق بود و باسانی نمیتوانستند از حکومت خودمختاری و منافع حاصل از آن چشم‌پوشند. روحانیان و علما که از پیشروان انقلاب بودند و برای خود سهمی عظیم قائل بودند و بخصوص در جریان وقایع اخیر قدرت و نفوذ بیشتری یافته بودند در تنظیم مواد قانون انتخابات با روشنفکران که خواهان مجلس بمعنی و مفهوم واقعی ملی و رعایت تساوی حقوق و امتیازات برای همه طبقات بود توافق نداشتند از اینجهت پس از آنکه نظامنامه انتخابات از طرف هیأت مذکور در فوق تهیه و تنظیم گشت و در جلسات عمومی که مرکب از: رجال و اعیان و روحانیان و تجار و رؤسای اصناف بود قرائت گردید مورد موافقت همگان قرار نگرفت و نسبت به بعضی از مواد آن بخصوص از طرف روحانیان اعتراض شد، مشیرالدوله صدراعظم بمنظور اجرای خواست ملت اختیار تغییر مفاد نظامنامه پیشنهادی هیأت را بخود آنها واگذار کرد و در نتیجه در جلسه عمومی روز دوشنبه سیزدهم رجب نظامنامه‌ای که روشنفکران تهیه دیده بودند با تغییراتی اندک که بیشتر در آن خواست تجار و اصناف رعایت گشته و با جدیت و پشتکار خود آنها آماده شده بود قرائت گردید و مورد موافقت و قبول همه نمایندگان طبقات مختلف قرار گرفت و برای توشیح پادشاه توسط میرزا شفیح‌خان مستشارالملک گرگانی که نماینده دولت در جلسات مجلس بود فرستاده شد ولی همچنانکه بیان داشتیم مخالفت با مفاد نظامنامه انتخابات از طرف رجال درباری بمنظور حفظ قدرت و منافع گروهی خودخواه و همچنین حفظ قدرت مطلق سلطنت، عامل و مانع بزرگی را در راه اجرای خواست روشنفکران و آزادیخواهان بوجود آورد و مدتی امر امضای نظامنامه را بتأخیر انداخت. تعویق توشیح قانون انتخابات مورد اعتراض و شورش طبقات مختلف قرار گرفت و بار دیگر عده‌ای بسفارت انگلیس پناهنده شدند، تجار و اصناف بازار را تعطیل کردند و دوباره اعتصابات عمومی شروع گردید.

مخالفان مشروطیت و شاهزادگان و درباریان استبداد پرست در مقابل هیجان عمومی ملت و از بیم شورشها و هیاهوی بیشتر حاصل از آن تسلیم شدند و نظامنامه

انتخابات در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۲۴ ه.ق ۱۷ شهریور ماه ۱۲۸۵ شمسی بامضای مظفرالدینشاه رسید و در جلسه مورخ دوشنبه ۲۰ رجب ۱۳۲۴ ه.ق مجلس شورای موقت (مجلس مؤسسان) میرزا نصرالله خان مشیرالدوله با جمعی از رجال دولت حضور یافتند و از طرف دولت قانون انتخابات را که در تحت دو فصل و سی و سه ماده تنظیم شده و بتوشیح شاه رسیده بود قرائت کردند.

بموجب نظامنامه فوق، انتخابات در سراسر کشور طبقاتی تعیین شد و مطابق ماده اول از فصل اول نظامنامه طبقات زیر در انتخابات نماینده مجلس توفیق یافتند شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، مالکان، فلاحان و اصناف. در ماده هشتم از نظامنامه برای طبقات فوق محدودیتی از لحاظ تعیین نماینده برای مجلس پذیرفته نشده بود و انتخاب کنندگان آزاد بودند از هر طبقه اجتماعی که مورد اعتماد آنها باشد نماینده خود را انتخاب کنند و الزامی در اینکه از طبقه و صنف خودشان باشد در بین نبوده است.^۲

۱- ماده اول: انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از

طبقات ذیل باشند:

شاهزادگان و قاجاریه: علما و طلاب: اعیان و اشراف: تجار و ملاکین: فلاحین و اصناف:
تنبیه اول: ایالات هر ایالت جزو سکنه آن ایالت محسوب و با شرایط مقرر حق انتخاب

دارند.

تنبیه دوم: ملاک عبارت از ارباب ملک: فلاح عبارت از زارع

۲- ماده هشتم: عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران بیش از ۲۰۰ نفر نمیتواند باشد، در شهرهای جزء ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یک نفر را انتخاب نموده بکرسی ایالت میفرستند این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب میشوند و یا در محال شهر سکنی داشته باشند. انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالت در کرسی ایالت جمع شده بعد از آنکه در صورت فوق برای هر ایالت معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضا انتخاب میکنند تا در مجلس شورای ملی حضور بهرسانیده در مدت مأموریت بوظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند، انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.

نکته شایان توجه در مورد نظامنامه انتخابات این است که در مورد ماده دوم^۱ از شرایط انتخاب کنندگان مسئله مالکیت و اعتبار مادی افراد از هر طبقه و صنف میباشد در بند چهارم از ماده فوق، مالک و فلاحی میتواند در انتخابات شرکت جوید و نماینده خود را انتخاب کند که صاحب ملکی باشد و حداقل ملک وی هزار تومان قیمت داشته باشد، بنابراین اصل کشاورزان و روستاییانی که صاحب زمین و ملک شخصی نبودند و یا اگر بودند زمین و ملک آنها از قیمت مقرر کمتر بود از حق انتخاب کردن محروم گردیدند.

و نیز در بند پنجم و ششم از همین ماده در شرایط تجار و اصناف برای تعیین نماینده، داشتن تجارت معین و تجارتخانه برای تاجر و کار معین صنفی و داشتن دکانی که کرایه آن مطابق با کرایه‌های حد وسط محلی باشد برای اصناف قید شد.

در بند اول و پنجم از ماده سوم^۲ در محروم بودن اشخاص از انتخاب وکیل و عبارت دیگر محرومیت از حقوق اجتماعی «طایفه نسوان و اشخاصی که بفساد عقیده معروف هستند» ذکر شده‌اند و از اینجا بخوبی میتوان تأثیر عامل مذهب و سنت و عقاید

۱- ماده دوم: انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند:

۱- سن آنها کمتر از ۲۵ سال نباشد: ۲- رعیت ایران باشند ۳- معروفیت محلی داشته باشند: ۴- ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد ۵- تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند ۶- اصناف آنها باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.

۲- ماده سیم: اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیه محروم هستند از قرار تفصیلند:

۱- طایفه نسوان ۲- اشخاص خارج از رشد و آنهایی که محتاج بقیم شرعی میباشند ۳- تبعه خارجه ۴- اشخاصی که سنشان کمتر از ۲۵ سال باشد ۵- اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند ۶- ورشکسته که بی‌تقصیری خود را ثابت نکرده باشد ۷- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات اسلامی قانونی دیده‌اند و متهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ۸- اهل نظام‌بری که مشغول خدمتند

زمان را در تدوین نظامنامه انتخابات دریافت و این خصوصیت را در ماده پنجم بند اول و هفتم آن در مورد اشخاصی که از انتخاب شدن بوکالت مجلس نیز محروم هستند باز می‌بینیم.

عده نمایندگان مجلس بموجب ماده هشتم از نظامنامه از دویست تن نباید تجاوز کند و این عده باید بموجب ماده ششم نظامنامه نمایندگان منتخب هر حوزه در کلیه نقاط کشور متناسب با سکنه و جمعیت هر ایالت باشند و از هر ایالت بین شش تا دوازده نفر انتخاب بشوند.

در تنظیم و تدوین مواد نظامنامه انتخابات تأثیر نابسامانی اوضاع و عدم امکانات از هر حیث بخوبی دیده میشود. بیم از استبداد و کارشکنی حکام ولایات و عدم ارتباط نزدیک بین شهرستانها با مرکز، تنظیم کنندگان نظامنامه را بر آن داشت که به پیش‌بینی موارد احتمالی و جلوگیری از کارشکنی و مخالفت دشمنان رژیم جدید پردازند و برای اینکه زودتر مجلس را تشکیل دهند و حکومت قانون را بر اوضاع آشفته مملکت مسلط سازند با گنجاندن ماده ۱۹ در نظامنامه در تسریع گشایش مجلس شورای ملی بکوشند.

بموجب این ماده مقرر گشت که هر گاه انتخابات تهران که حد نصاب

۱- ماده پنجم: اشخاصی که از انتخاب شدن محروم هستند:

۱- طایفه نسوان ۲- تبعه خارجه ۳- اهل نظام‌بری و بحری که مشغول خدمتند ۴- ورشکسته بتقصیر ۵- مرتکبین بقتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات قانونی اسلامی دیده‌اند و متهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ۶- آنهایی که سنشان از ۳۰ سال کمتر باشد ۷- اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند و متجاهر بفسق

۲- ماده ششم: عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلاد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر تهران که عده انتخاب شدگان آن بموجب تفصیل ذیل است.

۱- شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر ۳- تجار ۱۰ نفر

۲- علما و طلاب ۴ نفر ۴- ملاکین و فلاحین ۱۰ نفر

اصناف از هر صنفی یک نفر که جمعاً ۳۲ نفر میشود.

«در سایر ایالات و ولایت از قرار تفصیل است،...»

نمایندگان را تشکیل میدهد خاتمه یافت و نمایندگان منتخب در مجلس حضور بهم رساندند، مجلس جلسات خود را تشکیل دهد و نمایندگان وظایف قانونی خود را شروع کنند و تأخیر ورود و حضور و کلای شهرستانها بمرکز و بمجلس شورای ملی مانع از گشایش مجلس و تعطیل آن نخواهد بود. و نیز برای حصول منظور فوق در نظامنامه بموجب ماده ششم: تعداد نمایندگان منتخب شهرستان تهران بطور استثنایی ۶۰ تن بشرح زیر تعیین شد.

۱- شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر

۲- علما و طلاب ۴ نفر

۳- ملاکین و فلاحین ۱۰ نفر

۴- تجار ۱۰ نفر

۵- اصناف از هر صنف یک نفر که جمعاً ۳۲ نفر میشوند.

و حال آنکه از مجموع ۱۵۶ تن و کلای مجلس اول ۹۶ تن سهم استانها و شهرستانهای تابع آنها بوده است.

نکته شایان توجه در بررسی ماده فوق، سهم و حصه‌ای است که برای اصناف و تجار در تدوین نظامنامه در نظر گرفته شده است. و این خود تأثیر نفوذ و قدرتی را که اصناف و بازاریان در جریان وقایع مشروطیت و سهم عظیمی را که در انتخابات و مبارزات ملی داشته‌اند نشان میدهد، و ما در فصول آینده این مجموعه در ضمن گفتگو از تأثیر طبقات و تحقیق در منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی بتفصیل درباره آن بحث خواهیم کرد و نیز نشان خواهیم داد که با تغییر نظامنامه انتخابات در نتیجه جریاناتی که پس از مشروطه اول و استبداد صغیر پیش آمد و مسیر انقلاب را بخاطر کسب حکومت ملی عوض کرد این سنت در ادوار بعدی مجلس شورای ملی حفظ نشد و طبقه بازاری و اصناف سهم گذشته خود را از دست دادند.

ماده نهم از فصل اول نظامنامه، درباره تشکیل انجمنهای رسمی تحت عنوان

۱- ماده نهم: در هر محلی که انتخابات بعمل می‌آید، انجمنی برای نظارت انتخابات از

مباریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل مرکب از شش نفر در تحت نظارت موقتی حاکم یا نایب‌الحکومه همان محل تشکیل خواهد شد از اینقرار: دو انجمن تشکیل میشود، انجمن محلی و ایالتی، انجمن محلی در شهرهای جزء ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت.

انجمن ایالتی و محلی یکی از قدمهای مؤثر و مفیدی بود که تدوین کنندگان قانون انتخابات برای برقراری مداخله مستقیم ملت در حسن جریان انتخابات و تعیین نماینده واقعی و برگزیده ملت (بخصوص در استانها و شهرستانها که هنوز در تحت تسلط و نفوذ صاحبان و حکام و فرمانروایان مستبد بود) برداشتند و همین امر مقدمه تشکیل مجامع سیاسی و ایجاد نیروهای مقاومت ملی در مقابل حکومت استبداد صغیر گردید.

انجمن ایالتی در مراکز استانها و انجمنهای محلی در شهرستانهای تابع هر استان بمنظور نظارت در انتخابات و با عضویت معاریف و معتمدان طبقات ششگانه تأسیس شد و بموجب ماده دهم حق رسیدگی بشکایات مربوط بامر انتخابات از جمله وظایف انجمنهای فوق تعیین شد.

بموجب ماده ۲۳ نظامنامه^۲ نمایندگان ملت مصونیت پارلمانی پیدا کردند و در صورت ارتکاب عملی خلاف قانون، با اجازه مجلس و سلب مصونیت از آنها محاکم دادگستری حق تعقیب قانونی و رسیدگی بجرم آنها را خواهند داشت. بدین وسیله تنظیم کنندگان قانون انتخابات قبل از تدوین و تنظیم قانون اساسی و تفکیک قوای سه گانه مملکت و تعیین حدود وظایف هر یک، حیثیت و منزلت اجتماعی هیأت قانونگذاری را محفوظ داشتند و از تسلط قدرت هیأت حاکمه دولت بر نمایندگان ملت جلوگیری کردند.

بموجب ماده ۲۱ نظامنامه «عمر مجلس ملی دو سال تمام مقرر گشت»^۳ پس از مشروطیت اول و قیامها و مبارزات ملی که در زمان استبداد صغیر برای

۱- ماده دهم: شکایات راجعه بانتخابات مانع از اجرای انتخابات نخواهد بود یعنی انجمنهای مذکور در ماده نهم رسیدگی خواهند کرد بدون اینکه انتخابات توقیف شود.

۲- ماده بیست و سوم: بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس را نمیتوان بهیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود مگر مرتکب بجنحه یا جنایتی باشند بطور علنی و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچکس حق مزاحمت آنها را ندارد مگر در صورتیکه تصریحات و تقریرات عضوی بر خلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد در اینصورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص بمحکمه عدلیه جلب خواهند شد.

۳- ماده بیست و یک: مدت مأموریت نمایندگان ملت دو سال خواهد بود و بعد از دو سال در تمام ممالک ایران تجدید انتخابات خواهد شد.

برقراری مجدد مشروطیت از طرف گروههای ملی انجام گرفت نظامنامه انتخابات در تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ه.ق توسط هیأتی مرکب از ۱۶ تن که از طرف دولت مرکزی^۱ با موافقت انجمنهای ایالتی تعیین شده بودند تغییراتی حاصل کرد، و قانون انتخابات دو درجه و غیر مستقیم در تحت نه فصل و ۶۳ ماده تهیه و تنظیم گردید.

بموجب ماده اول عده و کلای مجلس شورای ملی از ۱۵۶ تن به ۱۲۰ تن تقلیل پیدا کرد و مقرر شد که انتخاب کنندگان بموجب بند چهارم دارای علاقه ملکی باشند یا در سال، مالیاتی بمبلغ ۱۰ تومان پرداخت کنند و یا داشتن سالیانه پنجاه تومان عایدی شرط شد افراد انتخاب کننده در صورت داشتن تحصیلات از قید شروط فوق معاف بودند^۱.

نظامنامه انتخابات دو درجه در تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ ه.ق بار دیگر تغییر یافت و در مجلس دوم بموجب تصویب نامه هیأت دولت مبنی بر اعطای حق تغییر نظامنامه انتخابات به نمایندگان مجلس شورای ملی اصلاحاتی پیدا کرد. بموجب نظامنامه جدید مأخذ تمول ملغی شد و انتخابات در تمام کشور بصورت یکدرجه و عمومی و مستقیم در آمد. عده و کلاز ۱۲۰ تن به ۱۳۶ تن افزایش یافت و بموجب بند ۳ از ماده ۹ انتخاب کنندگان میباید در حوزه خود متوطن و یا لاقل شش ماه قبل از تاریخ انتخابات در آن حوزه ساکن باشند. انتخابات دوره سوم قانونگذاری و ادوار بعدی مجلس شورای ملی تا این تاریخ بر اساس قانون انتخابات جدید صورت گرفته است جز اینکه بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه ۱۳۰۴ شمسی و ۲۸ خرداد و ۲۲ تیر ماه ۱۳۰۶ و دهم مهر ماه ۱۳۱۳ و ۲۷ مرداد ماه ۱۳۳۲ اصلاح و به تصویب نمایندگان رسیده است و بموجب اصلاح و تغییری که در مواد ۴ و ۵ و ۶ قانون اساسی در مجلس واحد «کنگره» که مرکب از نمایندگان دو مجلس و بر طبق رأی مجلس مؤسسان در سال ۱۳۲۸ و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ تشکیل شد به تبعیت از آن مفاد مواد

۲- ماده چهارم: انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند:

۱- تبعه ایران باشند ۲- لاقل بیست سال داشته باشند ۳- معروفیت محلی داشته و اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لاقل شش ماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنی داشته باشند ۴- لاقل دارای دویست و پنجاه تومان علاقه ملکی یا دویست و پنجاه تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند.

۱ و ۴۸ و ۵۰ قانون انتخابات نیز تغییر یافت و بموجب آن عده نمایندگان بر طبق آمار رسمی کشور به نسبت هر یکصد هزار تن جمعیت یک تن اضافه شد و در نتیجه عده نمایندگان مجلس از ۱۳۶ تن به ۲۰۰ تن افزایش یافت، و بموجب اصل ششم قانون اساسی مصوب مجلس واحد مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی مربوط بماده ۴۸ قانون انتخابات در مورد اکثریت حاصل کردن نمایندگان برای افتتاح مجلس «نصف بعلاوه یک تن از نمایندگان ملت در تهران» به دو ثلث نمایندگان افزایش یافت.

و نیز بموجب اصل پنجم قانون اساسی مصوب مجلس واحد مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ مدت دوره نمایندگی مجلس شورای ملی از ۲ سال به ۴ سال تمام افزایش پیدا کرد و بموجب همین اصل ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامه بیش از نصف نمایندگان تعیین گردید.

آخرین نظامنامه انتخابات آن است که بموجب لایحه اصلاحی قانون انتخابات که در چهار ماده تنظیم شد و در تاریخ ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ بتصویب کنگره ملی رسید. بر اساس این لایحه تغییراتی در نظامنامه انتخابات بشرح زیر صورت گرفت:

۱- بموجب ماده چهار لایحه قانونی اصلاحی قانون انتخابات که در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی بتصویب کنگره ملی رسید. ماده چهاردهم از فصل چهارم قانون انتخابات در مورد تعیین اعضای انجمن نظار تغییر یافت و ترکیب طبقات ششگانه که اعضای انجمن مزبور می باید از میان آنها انتخاب شوند دگرگون شد، بدین معنی که طبقات کارگران و دهقانان (کشاورزان که مالک زمین زراعتی خود میباشد) جایگزین طبقات اعیان و مالکان گردیدند باید دانست که این تغییر بجای خود در تاریخ انتخابات

۱- ماده چهاردهم: در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت محل بمحض وصول دستور وزارت داخله برای تعیین انجمن نظارت مرکزی بیست و چهار نفر از طبقات ششگانه: (علماء، اعیان، مالکین - تجار - اصناف و زارعین) و دوازده نفر معتمدین اهل محل که معروف بامانت و با سواد و دارای شرایط انتخاب نمودن باشند دعوت میکند مدعوین در همان مجلس از میان خود یا خارج برای مخفی و اکثریت نسبی نه نفر را برای عضویت انجمن تعیین نموده و نه نفر دیگر را نیز بعنوان عضو علی‌البدل از همان مدعوین انتخاب مینماید. در انتخاب مزبور حضور دو ثلث مدعوین کافی خواهد بود در نقاطی که یک یا چند طبقه از طبقات ششگانه وجود نداشته باشند از طبقه دیگر عده منظور تکمیل خواهد شد.

ایران بی سابقه بوده است.

۲- و نیز بر اساس ماده سوم لایحه مصوب ملی و بر طبق ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون انتخابات دو مجلس مصوب تیرماه ۱۳۴۲، بند (۳) از ماده بیست و یکم از فصل پنجم قانون انتخابات در مورد کیفیت دادن تعرفه و گرفتن رأی، بدین ترتیب اصلاح شد که رأی دهندگان بجای استفاده از کاغذهای بی نشان برای ثبت اسامی کاندیداهای انتخاباتی خود از کارتهای مخصوص چاپی استفاده نمایند. و نیز بموجب آیین نامه فوق ماده (۲۳) و ماده واحده ذیل آن و همچنین ماده (۲۴) در خصوص تعرفه و ترتیب ثبت آنها حذف شده است.

ماده (۲۸) از همین فصل بموجب ماده ۲ قانون اصلاح انتخابات مصوب ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ بدین کیفیت اصلاح و مقرر شد که انتخابات در سراسر کشور در یک روز انجام گیرد.

دیگر از تغییراتی که در قانون انتخابات ایران ابتدا با تصویب نامه قانونی بشماره

۱- بند ۳ از ماده بیست و یکم: ترتیب گرفتن تعرفه و دادن رای با توضیح این نکته که (گرفتن تعرفه و دادن رای در یک مجلس به عمل می آید و رای دهندگان باید قبل از ورود به انجمن رای خود را روی کاغذ بی نشان نوشته حاضر داشته باشند).

۲- ماده بیست و سوم: تعرفه که بانتهاب کنندگان داده می شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود

۱- نمره و تاریخ

۲- اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او و شغل و منزل او

۳- مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت.

ماده واحده - انجمنهای نظارت در موقع دادن تعرفه اخذ رای مکلفند ورقه شناسنامه رای دهنده را نیز ملاحظه کنند و شماره آن را در دفاتر ثبت و شناسنامه را بمهر انجمن برسانند

۴- انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفههایی را که میدهد بترتیب نمره در کتابچه مخصوص ثبت میکنند.

۵- ماده بیست و هشتم: در محلهایی که انتخاب در یک روز تمام نمیشود در ختام مجلس آن روز تمام اعضا با احتیاطات لازمه جعبه و دفاتر راجع به انتخاب را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روز بعد همان اعضا آن را باز می کنند.

۵۱۱۸۴ مورخ ۱۶/۲/۴۱ هیأت وزیران و سپس با تصویب نهایی نمایندگان حاصل شد در جلسه مورخ دهم اردیبهشت ماه ۴۳ مجلس شورای ملی اعطای حق شرکت بانوان در انتخابات مجلس شورای ملی است.

بموجب این تصویب نامه در فصل دوم و سوم نظامنامه اصلاحات زیر انجام گرفت بند ۱ از ماده دهم در مورد کسانی که از حق انتخاب کردن محروم‌اند و بند ۲ از ماده سیزدهم در مورد اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند حذف شد و با حذف این دو بند از نظامنامه انتخابات، زنان ایران حق شرکت در انتخابات چه در رأی دادن و چه در انتخاب شدن را بدست آوردند.

تحلیلی از قانون اساسی

مبارزه و کشمکش بین دو نیروی استبدادی و ملی با صدور فرمان مشروطیت و رفع اختلاف نظر در مورد تنظیم مواد نظامنامه انتخابات خاتمه نیافت، بلکه تصادم این دو نیروی آشتی‌ناپذیر بصورت شدیدتر نهانی ادامه داشت و دامنه آن بصحنه فعالیت‌های پارلمانی و بخصوص به مسئله مهم پی‌ریزی بنای حکومت ملی و برقراری حاکمیت قانون بر مملکت، یعنی تدوین و تنظیم قانون اساسی کشیده شد. رجال درباری و اشراف فتودال و در رأس آنها محمد علی‌میرزا که بظاهر بخاطر جلب گروههای ملی خود را هم‌رنگ «محیط مشروطه» ساخته بودند، در نهان نقشه بر هم زدن مشروطه و حکومت چند ماهه ملی را طرح می‌کردند. سعی محمد علی‌میرزا که بسبب کسالت مظفردالدین‌شاه امور مملکت را اداره می‌کرد بر آن بود که بانحاء مختلف حقوقی را که بموجب فرمان مشروطیت بملت داده شده بود محدود کند و چه بسا که آن را از بین ببرد و در این راه اشراف درباری نیز با وی هماهنگی داشتند و می‌کوشیدند در موقع تنظیم و تدوین قانون اساسی که شالوده حکومت قانونی آینده کشور بود، حقوق و امتیازات سابق خود را محفوظ و مستحکم سازند. چون قانون اساسی از طرف هیأتی آماده و برای امضای مظفردالدین‌شاه فرستاده شد، رجال درباری که بنا بر خصیصه ذاتی با حکومت مشروطه و آزادی و تساوی ملت در حقوق اجتماعی مخالف بودند درباره حفظ قدرت سلطنت و حفظ اختیارات، امتیازات بیشتری برای مجلس سنا، با برخی از مواد قانون مزبور که موجب محدودیت قدرت خود آنها نیز بود مخالفت کردند و مانع امضای قانون اساسی و برگرداندن آن بمجلس گشتند.

کشاکش نمایندگان مجلس و آزادیخواهان با درباریان بر سر این مسئله با تقویت نیروهای ملی خارج از مجلس بخصوص گروههای ملی شهرستانها که با تحصن

۵- ماده دهم: کسانی که از حق انتخاب کردن محروم‌اند:

۱- طایفه نسون ۲- کسانی که خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند
 ۳- تبعه خارجه ۴- اشخاصی که خروچشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد ۵- اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ۶- ورشکستگان بتقصیر ۷- متکدیان و اشخاصی که بوسایل بیشرافانه تحصیل معاش مینمایند ۸- مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند ۹- مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند

۶- ماده سیزدهم: اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند

۱- شاهزادگان بلافصل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه) ۲- نسون ۳- تبعه خارجه ۴- مستخدمین امنیه و نظمی و اهل نظام‌بری و بحری باسثنای صاحب منصبان افتخاری ۵- حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود ۶- مأمورین مالیه در قلمرو مأموریت خود ۷- کلیه رؤسای محاکم و مدعی‌العموم‌ها و وکلای عمومی در حوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محروم‌اند. ۸- رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن بعضویت مجلس شورای ملی در حوزه مأموریت خود محروم خواهند بود و همچنین وزراء و معاونین در موقع انتخابات از تمام مملکت

تبصره - سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند.

در تلگرافخانه و مخابره تلگرافات متعدد بنمایندگان و علما تسریع در تنظیم و توشیح قانون اساسی را خواستار بودند باینجا منتهی شد که در جلسه روز ۵ شنبه ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ.ق مشیرالملک و حاج محتشم‌السلطنه و مؤیدالسلطنه بوکالت از جانب دولت برای مباحثه و مذاکره در فصول قانون اساسی و موارد اختلاف دولت و نمایندگان بمجلس شورای ملی حاضر شدند، مذاکرات جلسه مزبور تنها درباره رد یا ایراد و طرد و قبول و توضیح اصول ۸- ۱۱- ۱۲- ۱۵- ۲۰- ۲۱- ۲۸- ۴۰- ۴۱- ۴۲- ۴۷- قانون اساسی بود در خاتمه آن جلسه که مدت هفت ساعت طول کشید قانون مزبور تنقیح شد و باتمام رسید و رأی بر آن قرار گرفت که پس از مذاکره در دو فقره استدعاییه با محمد علی‌میرزا (اصول ۴۱ و ۴۲) آن را برای امضای مظفرالدین‌شاه حاضر کنند.^۱

بدین کیفیت تدوین و تنظیم قانون اساسی در تحت ۵۱ اصل در شرایط سخت مبارزه شدید بین آزادیخواهان و دولتیان انجام گرفت و در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۱۴ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴ هـ.ق بتوشیح مظفرالدین شاه رسید و محمد علی‌میرزا نیز بظاهر امر با وساطت بین نمایندگان مجلس شورای ملی و دولتیان برخلاف میل باطنی بخاطر جلب نظر گروههای ملی در اختلاف فیما بین میکوشید، قانون اساسی را امضا و دستور ابلاغ آنرا صادر کرد با امضای قانون اساسی و رسمیت یافتن آن اختیارات مطلق سلطنت و هیأت حاکمه مشروط و محدود شد و حکومت قانون برای نخستین بار در تاریخ ایران برقرار گشت و بموجب آن تمام قدرت ناشی از ملت و وضع قوانین و تصویب بودجه مملکت و همچنین نظارت بر اجرای قوانین و بعبارت دیگر نظارت بر اعمال هیأت دولت از وظایف و اختیارات مجلس شورای ملی گردید، و بموجب قانون اساسی، آزادی مطبوعات و جراید و سانسور نکردن مکاتبات خصوصی، آزادی تشکیل اجتماعات، احترام مالکیت افراد و مصونیت افراد در پناه قانون اعلام شد.

۱- اصل ۴۱ مربوط بمجلس سنا و عده اعضا و طریقه انتخابات اعضای آن بود و اختلاف نظر نمایندگان ملت با نمایندگان دولت در پیرامون فزونی نمایندگان منتخب از طرف ملت دور میزد و پیشنهاد آنها بر دو ثلث از طرف ملت و یک ثلث از طرف دولت بود، مسئله دیگر بر سر اصل ۴۲ بود نمایندگان مجلس خواستار شدند که امور مربوط بمالیه مملکت از وظایف مختص مجلس شورای ملی مقرر شود.

تنظیم قانون اساسی از آنجا که در فرصتی کوتاه و بدون دقت لازم انجام پذیرفت ملت و بخصوص اعضای انجمن‌های متشکل از آزادیخواهان و روشنفکران آن را کافی بمقصود ندیدند و از مجلس شورای ملی تکمیل آن را تقاضا کردند.

محمد علی‌شاه با آنکه پس از بسطنت رسیدن نیز با اساس حکومت مشروطه مخالف بود و در نهان نقشه بر هم زدن آن را طرح می‌کرد بظاهر در مقابل خواسته‌های ملت برای اصلاح قانون اساسی دستخطی بدین شرح صادر ساخت.

«جناب اشرف صدراعظم: سابق هم دستخط فرموده بودیم که نیت مقدسه ما در توجه با اجرای اصول قوانین اساسی که امضای آن را خودمان از شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه گرفتیم بیش از آن است که ملت بتواند تصور کند و این بدیهی است از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهانه شرف صدور یافت و تأسیس مجلس شورای ملی شد، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنس تی توسیون (Constitution) بشمار میاید منتهی ملاحظه‌ای که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمه برای انتظام وزارت‌خانه‌ها و دوایر حکومتی و مجالس بلدی مطابق شرع محمدی (ص) نوشته آنوقت بموقع اجراء گذارده شود. عین این دستخط ما را برای جنابان حجج اسلام سلمه‌الله تعالی و منتخبین شورای ملی ابلاغ نمایید ۲۷ ذیحجه سال ۱۳۲۴ هـ.ق» مجلس شورای ملی نیز در جلسه ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۴ هـ.ق هیأتی مرکب از آقایان سعدالدوله، سید حسن تقی‌زاده، میرزا محمودخان مشاورالملک، حاج حسین آقا مهدوی (امین‌الضرب)، حاجی سید نصرالله سادات اخوی و مستشارالدوله (صادق - صادق) را مأمور اصلاح قانون اساسی کرد^۱ هیأت مذکور متمم قانون اساسی را در شرایط سخت‌تر و محیطی متشنج بعلت دو دستگی و اختلافی که بتدریج بین مشروطه‌خواهان پیش آمد و بتحریریک درباریان و شخص محمد علی‌شاه بداستان «مشروطه» و «مشروع» منجر گردید، آماده ساختند. ولی مجلس از آن نظر که با مخالفت علما و روحانیان مواجه نگردد ناگزیر شد قانون را از نظر رهبران روحانی مشروطیت و سایر علما بگذرانند، برای این منظور کمیسیونی مرکب از آقایان سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و حاجی شیخ فضل‌الله نوری و عده دیگری از نمایندگان روحانی مجلس تشکیل گردید و درباره مواد

۱- نقل از شماره ۴۱ روزنامه مجلس مورخ ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۴ هـ.ق مطابق با ۲۴ دلو

۱۲۸۵ شمسی - و فوق‌العاده روزنامه مزبور (ضمیمه همین شماره)

جدید قانون اساسی و تطبیق آن با موازین شرعی بمطالعه و مذاکره پرداختند.

اختلاف نظر و سلیقه روحانیان و روشنفکران از یک سو و دو دستگی رهبران روحانی مشروطیت بر سر مسائل خصوصی و منافع شخصی از سوی دیگر و تحریکات و دسایس درباریان نیز بجای خود از عواملی بودند که موجبات تأخیر در تدوین متمم قانون اساسی و تصویب آن در مجلس و در مواردی اعمال نفوذ روحانیان را در برخی از مواد آن پیش آورد و ما در جای دیگر این مجموعه بتفصیل از آن سخن خواهیم گفت.

عوامل فوق سبب شد که عده‌ای بعنوان اعتراض باعمال نفوذ روحانیان مشروعه خواه مخالف با مشروطیت و اعتراض به تأخیر در تصویب مواد متمم قانون اساسی که از طرف روشنفکران تنظیم شده بود بتظاهراتی پردازند. این امر بخصوص در استانهای مهم از جمله استان آذربایجان و بویژه تبریز گروههای ملی را بهیجان آورد و اینان با جوش و خروشی خاص در ضمن تحصن در تلگرافخانه و مخابرات تلگرافی با نمایندگان خود در مجلس شورای ملی و تعطیل بازار و اعتصابات عمومی خواستار تصویب متمم قانون اساسی بر اساس مشروطه ملی نه شریعت خواهی شدند. حاصل مبارزات گروههای ملی در خارج از مجلس و نمایندگان آنها در داخل آن بدانجا رسید که متمم قانون اساسی بر اثر نفوذ و قدرت روحانیان در تاریخ ۱۵ مهر ماه ۱۲۸۶ شمسی بامضای محمد علیشاه رسید.

* * *

در پایان این مقال ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که قول باینکه همه قانون اساسی ایران و مواد و اصول آن در معنی اقتباس از قانون اساسی ممالک اروپایی است خالی از گزافه گویی نیست. چه با توجه بوقایع و حوادثی که در طول نیم قرن قبل از مشروطیت در ایران رخ داده و بررسی علل و اسباب آن وقایع و تطبیق آنها با مضامین مواد قانون اساسی این نکته بر ما آشکار میشود که تنظیم کنندگان قانون اساسی ایران بخوبی تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زمان خود قرار گرفته‌اند و هر یک از مواد و اصول قانون اساسی و متمم آن در عین اینکه نمودار طرز فکر روشنفکران اروپا دیده یا متأثر از افکار اروپایی است، در عین حال منعکس کننده نارضاییمهای طبقات مختلف ملت از اوضاع آشفته و نابسامان عصر و پاسخگوی احتیاجات آنها نیز میباشد و شاید بتوان گفت قانون اساسی ممالک بلژیک و فرانسه و بالکان عنوان راهنما

و هادی قانونگذاران و نقطه الهام آنان را داشته است و بس.

در جریان وقایع و حوادث مشروح این فصل و معرفی ضمنی نیروها و طبقات عامل سازنده مبارزات ملی و بررسی علل و موجباتی که منشأ بروز انقلاب عمومی در ایران گردید بی‌شبهه نارضایی طبقات جامعه از غیر عادلانه بودن مالیاتهای سنگین و عوارض مختلف و ناخشنودی از نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران، سپرده شدن منابع ثروت کشور به بیگانگان، تقلیل درآمد دولت و استقراضهای پی در پی از دولتهای خارجی، تعدیات و مظالم شاهزادگان و حکام و خانها، ناامنی مالی و حقوقی و جانی افراد ملت از جمله مهمترین علل و اسبابی بوده است که طبقات مختلف جامعه را بطرف انقلاب و جنبش آزادی خواهی سوق داده است.

انعکاس اوضاع عصر و خواسته‌ها و تمنیات ملتی که برای نخستین بار در طول تاریخ قدرت مداخله مستقیم در وضع قوانین و سرنوشت کشور پیدا میکند از مهمترین نکاتی است که شایان توجه و بررسی عمیق میباشد.

متن قانون اساسی و متمم آن با صراحت کامل معرف سنتها و عقاید و تمایلات طبقات مختلف افراد جامعه و نیروها و قدرتهای آشکار و پنهان مسلط بر اوضاع میباشد و در بررسی از مواد و اصول آن بخوبی در مییابیم که چگونه هر یک از آنها نماینده انعکاس علل فوق و تأثیر قدرت و نفوذ عامل سازنده انقلاب است.

معتقدات و سنتهای مذهبی رایج زمان و نظارت روحانیان، بموجب چندین ماده و اصل از قانون اساسی و متمم آن در کلیه شوئن اجتماعی بصورت قانونی پذیرفته میشود. در اصل ۳۵ متمم قانون اساسی، اساس حکومت و سلطنت در ایران جنبه الهی خود را حفظ میکنند و بر طبق سنت قدیم و بخصوص مطابق نظر پیروان مذهب شیعه و همچنین نظریه بعضی از آباء مسیحی چون سن اگوستن (قرن پنجم میلادی) و سن توماس (قرن سیزدهم میلادی) سلطنت ودیعه‌ای الهی شناخته میشود. و شرط حاکمیت بر ملت برای مقام سلطنت و هیأت دولت و همچنین نمایندگان بموجب اصل اول و اصل ۵۸ متمم قانون اساسی و اصل ۴۵ قانون اساسی داشتن مذهب اسلام و متدین بودن قید میشود.

تسلط مذهب بر حاکمیت و قدرت دنیوی بموجب اصل ۲ و ۲۷ متمم قانون اساسی در قوه قانونگذاری که نظارت مجتهدان طراز اول را بر وضع قوانین و تطبیق آن

با موازین شرعی تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل‌الله فرجه مقرر داشته تضمین گردیده است.

و اصل ۲۷ با صراحت کاملی استقرار قوانین را موقوف به مخالف نبودن با موازین شرعی منظور کرده است و بموجب همین اصل و اصول ۷۱ و ۸۳ متمم قانون اساسی حق مداخله مستقیم در قوه قضایی را برای روحانیان باقی گذاشته است، از جمله حق قضاوت برای محاکم شرع را در کنار محاکم عرفی صورت قانونی بخشیده است، و نیز اصل ۸۳ در تعیین مدعی‌العموم که از طرف پادشاه بموجب قانون انتخاب میشود اعمال نظر و رضایت حاکم شرع را مداخله داده است.

باید دانست که دامنه توسعه و نفوذ عامل مذهب با آزادیهای طبیعی نیز کشانده شده است و این آزادی بقید موازین شرعی و دین مقید میگردد.

در اصول ۲۰ و ۲۱ متمم قانون اساسی، آزادی مطبوعات و جراید و تشکیل اجتماعات و بعبارت دیگر احترام آزادی فکر و عقیده که از حقوق مسلم هر فردی است بشروطی محدود میشود که از آنجمله موافقت آنها با موازین شرعی است.

نکته شایان توجه در مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت افراد کشور است. بموجب اصل ۱۸ متمم قانون اساسی فقط تحصیل علوم و صنایعی آزاد است که در شرع ممنوع نباشد.

در ضمن فصول گذشته بطور مشروع بیان داشتیم که عوامل اقتصادی و نارضایی طبقاتی خاص از آنجمله بورژوازی تاجر و کسبه و اصناف از جمله عوامل و عللی بودند که در تسریع انقلاب و سوق بطرف حکومت مشروطه مؤثر بودند، و ما انعکاس عوامل و موجبات نارضایی این طبقات ملت را در بررسی مواد و اصولی از قانون اساسی بخوبی و روشنی باز می‌یابیم. از آن جمله اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی میرساند که ملت و بویژه بورژوازی ایران از اعطای امتیازات مختلف بخارجیان و استقراض از دولتهای خارجی که استقلال مملکت را بمخاطره انداخته و موجبات استثمار منابع ثروت و استعمار کشور را فراهم ساخته ناراحت است و میل دارد در پناه قانون از رکود اقتصادیات مملکت بخصوص در زمینه صنعت و تجارت جلوگیری کند و خود را از قید استثمار خارجی و تسلطی که در طی نیم قرن در کلیه شئون اجتماعی و شریانهای حیاتی کشور پیدا شده بود رهایی بخشد. از اینجهت اعطای هرگونه امتیازات

تجارتی و صنعتی و فلاحتی و تشکیل کمپانیها و شرکتهای عمومی را بدون تصویب مجلس منع میکند.

انعکاس نارضایی ملت از استقراض خارجی و مسئله راهسازی بدست دولتهای خارجی را اصول ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی صریحتر تکرار میکند و انتقال و فروش قسمتی از عایدات و یا دارایی دولت را اصل ۲۲ قانون اساسی بتصویب مجلس موکول می‌سازد.

اصل ۱۰۶ متمم قانون اساسی از نگرانی و بیزاری ملت در امر سپردن نیروی نظامی، بمستشاران اجنبی و فرماندهی و سرپرستی قزاقان روسی حکایت میکند و بمدد قانون میل دارد از رسوخ و تسلط خارجی در حیاتی‌ترین امور کشور جلوگیری کند.

انقلاب اجتماعی ایران با شرکت طبقات متوسط تنها بقصد بدست آوردن حقوق سیاسی و آزادیهای عرفی نبوده، بلکه مبارزات آنها بمنظور از بین بردن نظام اجتماعی اشرافی و از بین بردن اختلافات فاحش اقتصادی و خارج ساختن کشور از قید استثمار عناصر متنفذ و خانها نیز بوده است و برای در هم شکستن اختلافات طبقاتی و عدم تساوی حقوقی لازم بود اسباب و علل ابتدایی عدم تساویهای اجتماعی که مبنای اقتصادی داشت تغییر داده شود و بطریقی از تمرکز ثروت که بدنبال آن قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی نیز بوجود می‌آید جلوگیری شود.

همچنانکه در گذشته اشاره کردیم، وضع آشفته مقررات مالیاتی و وجود عوارض و تعرفه‌های گمرکی غیر عادلانه از عوامل مهمی بودند که زندگی اقتصادی ملت را دچار آشفتگی کرده و بخصوص بازار را از دست بورژوازی تاجر و خرده بورژوازی ایرانی (کسبه و اصناف) خارج ساخته بود و بطور کلی هر روز بطریقی طبقات مختلف اجتماع را از هستی ساقط و مجبور بمهاجرت و ترک تابعیت می‌کرد.

مجموعه علل فوق سبب شد که پس از پیروزی در انقلاب و بدست آمدن حکومت قانون. نگرانی و تشویش طبقات مذکور در چندین ماده از مواد قانون اساسی منعکس شود و اینان باصلاح قانون و بمدد آن در لغو اجحافها و استثمارها بکوشند. وضع مالیاتها و عوارض بموجب اصل ۱۸ قانون اساسی و اصول ۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹ متمم قانون اساسی بنظر و کلای مجلس موکول میشود و از هوسرانی و اجحافهای حکام جابر بیرون می‌آید. دو اصل ۹۹ و ۱۰۰ متمم قانون اساسی با صراحت کاملتری عنوان می‌کند که غیر از موافقتی که قانون بصراحت معلوم بدارد بهیچ عنوان نباید از